

## ای نام تو بهترین سرآغاز

در هر بخش از کتاب این تقسیم‌بندی را می‌بینی:

- **صفحه ورودی قلمرو**: شامل یک برگ جداگانه که قلمروهای فکری، ادبی و زبانی را از هم جدا می‌کند.
- **صفحه ورودی موضوع**: معرفی موضوع و اطلاعات کلی راجع به آن. صفحات ورودی هر موضوع، با رنگ آبی از بخش قبل متمایز شده است.
- **راهنمای استفاده**: شامل یادداشتی در بیان اهمیت هر موضوع، منابع مطالعه، روش مطالعه، شگرد طراحی، مهارت‌های پاسخ‌گویی و اصطلاحات ویژه آن موضوع
- **تیپ‌شناسی**: در موضوعاتی که لازم به نظر می‌رسیده، تیپ موضوعات مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفته است.
- **درس‌نامه**: شامل اطلاعات علمی هر موضوع، که پیش از سؤالات یا لایه‌لای آن‌ها قرار گرفته است. در ادامه، مفصل درباره‌اش می‌خوانی.
- **سؤالات**: درباره پرسش‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها، در همین «راهنما» شرح کاملی آورده‌ایم. لایه‌لای سؤالات هم، فضایی برای گفت‌وگو با داوطلب پیش آمده که جزئیاتش را در ادامه می‌خوانی.
- **پاسخ‌ها**: پاسخ کلیدی سؤالات را در پایان این کتاب و پاسخ تشریحی و آموزشی سؤالات را در جلد پاسخ‌نامه خواهی دید.

### درس‌نامه

**زبان و ادبیات فارسی در شش روایت** / تقسیم‌بندی براساس قلمروها را خواندی، اما اصل موضوع این است که **ادبیات موضوعی** در شش موضوع کلی برنامه‌ریزی شده، نه همانند دفترچه کنکور، بلکه آن‌طور که باید باشد: قربت معنایی، آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات، زبان فارسی، معنی واژه، املا، بین:

**قربت معنایی**: ابتدا ابیات و عبارات مهم هر درس همراه با مفاهیم آن‌ها معرفی شده‌اند و بعد، مهم‌ترین مفاهیم درس، به طور جداگانه در یک گفتار کوتاه و گاهی بلند در کنار آبی رنگ شرح داده شده‌اند و در ادامه، بیت‌ها و عبارات‌های دارای آن مفهوم معرفی شده‌اند و «تناسب»، «تفاوت» یا «تقابل» آن‌ها با بیت‌های دیگر، مورد سؤال قرار گرفته است.

**آرایه‌های ادبی**: همه آرایه‌های ادبی مورد توجه طراح آزمون سراسری - اعم از آرایه‌های داخل و خارج از کتاب - به طور مفصل، همراه با نکات و شگردهای شناسایی آرایه، معرفی شده‌اند و پس از معرفی هر آرایه، پرسش‌های مربوط به آن آمده است و پس از پایان آموزش آرایه‌ها، بخش پرسش‌های ترکیبی آرایه‌های ادبی که بخش مهم‌ترین فصل است، قرار گرفته.

**تاریخ ادبیات**: اطلاعات تاریخی ادبیاتی در کتاب درسی - که بسیار مختصر و محدود هم هست - در چند صفحه و در قالب چند جدول آمده است.

**زبان فارسی**: در فصل زبان فارسی به دلیل اهمیت و همین‌طور، دشواری موضوع، درس‌نامه‌ها به صورت «قطعه‌قطعه» آمده‌اند و پس از هر «قطعه» بلافاصله پرسش‌هایی از آن مبحث - به اندازه‌ای که همه نکات را پوشش دهد - طراحی شده است. **معنی واژه**: واژه‌های درون واژه‌نامه پایان کتاب درسی و همین‌طور، واژه‌های متن درس‌ها و متن پرسش‌های کارگاه متن‌پژوهی در قالب جدول‌های مختلف معرفی شده‌اند و در ادامه، پرسش‌های مربوط را با طبقه‌بندی و تیپ‌بندی مخصوص به خود، می‌بینی.

**املا**: واژه‌هایی که از نظر املائی اهمیت دارند، در قالب جدول‌های مختلف معرفی شده‌اند و در ادامه، پرسش‌های مربوط را با طبقه‌بندی و تیپ‌بندی مخصوص به خود می‌بینی.

### پرسش‌ها

**مشکلی به نام «حجم»**، **نیازی به اسم «سؤال»** / بیش از ۴۶۰۰ سؤال، گنجینه‌ای است که حتی اگر بخشی از آن تا زمان کنکور دست‌نخورده بماند - که نباید بماند - تو را از وجود یک منبع بی‌نقص از سؤالات پر مغز و استاندارد مطمئن می‌کند، به‌طوری‌که سؤالات کنکور - آن‌هایی که باقی مانده‌اند - با همه اهمیتشان، در میان پرسش‌های این کتاب، سؤالاتی متوسط و کم‌مایه جلوه می‌کند.

و نکات مفید بسیاری که ناچار از آن‌ها گذشتیم، به این امید که قبل از ورود به این کتاب، مطالب پایه‌ای را خوانده‌ای. و یک دنیا نکته و سؤال خوب که باید حذفشان می‌کردیم تا بتوانی وزن کتاب را تحمل کنی!

## راهنمای استفاده از کتاب

### حرف اول

**خودمانی با خودت** / روی صحبت با دوست. تو که یک «موضوع» هستی از موضوعات جهان. که «قربت معنایی» داری با همه خوبی‌ها و «تقابل معنایی» با همه دروغ‌ها. که قشنگ‌ترین «آرایه ادبی» هستی در روزگار بی‌آرایه و بدآرایه. که همه «واژه»‌هایت معنی عشق می‌دهند. که در هیچ گزینه‌ات «غلط املائی» نداری. که در عین «ساد» بودن، «مشتق - مرکبی». که از عشق، مشتق شده‌ای و دلی داری مرکب از بیم و امید. و خودت، یک‌تنه، «درآمد»ی هستی بر همه ادبیات‌های حماسی و نمایشی و تعلیمی و عاشقانه. «تعداد سؤال»‌هایت بی‌شمار است و «اهمیت پاسخ‌گویی» به تو ۱۰۰ درصد. روی صحبت با دوست.

### آن کتاب

**ادبیات میکرو طبقه‌بندی** / ادبیات میکرو - جلد «بانک تست» - یک بانک ثروتمند و معتبر از سؤالات آزمون‌های مختلف است. در حقیقت، استفاده روزبه‌روز و درس به درس از پرسش‌های ادبیات را به آن کتاب سپرده‌ایم و بار سؤالات تالیفی با تفکیک موضوعی بر دوش این کتاب افتاده است.

### این کتاب

**ادبیات موضوعی** / کتابی را که در دست گرفته‌ای، تنها محصول آموزشی کشور است که به روش «آموزش بر اساس تیپ» تألیف و عرضه می‌شود. **ادبیات موضوعی** یک کتاب است با پوشش هر چهار کتاب منبع کنکور و در برگرفته همه موضوعات شش‌گانه زبان و ادبیات فارسی.

فراموش نکن که **ادبیات موضوعی** و ادبیات میکرو دو بازوی مکمل‌اند، نه دو کتاب یکسان با طرح جلد متفاوت! دو محصول آموزشی‌اند با برنامه‌ریزی کاملاً مختلف؛ یکی برای پرسیدن درس به درس و یکی برای آموزش و پرسش مبحث به مبحث؛ یکی براساس برنامه کتاب درسی ست و یکی مطابق با شگردهای طراحی کنکور. مشترکاتشان محدود می‌شود به بازمانده سؤالات چند کنکور اخیر و سؤالات اندکی که «تیپ مهم» یا «نکته آموزشی» خاصی دارند.

### مسئله تیپ

**تیپ چیست و خوش تیپ کیست؟! /** طراحی سؤال در موضوعات شش‌گانه زبان و ادبیات فارسی و چیدمان اطلاعات در صورت سؤال و گزینه‌ها، سبک‌ها و گونه‌های مختلفی دارد که هر کدام را یک «ریخت» می‌دانیم، اما در این کتاب، تنها برای «هم‌زبانی» با تو ترجیح دادیم به جای «ریخت» از معادل غیر فارسی «تیپ» استفاده کنیم. می‌دانیم که با «تیپ» راحت‌تری. سخت‌گیرانه که نگاه کنی، استفاده از این واژه، نادرست، اما رایج است و به هر حال به فهم مطلب کمک می‌کند. به نظر ما، خوش به حال این غلط و ویرایشی و همه غلط‌های ویرایشی، اگر به تو کمکی کنند.

### ساختار کتاب

**قلمروهای بی‌حد و مرز** / کتاب، در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود، به ترتیب شامل سه قلمرو «فکری، ادبی و زبانی» ست. در هریک از قلمروها این موضوعات جا گرفته‌اند:

● **قلمرو فکری**: قربت معنایی

● **قلمرو ادبی**: آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات

● **قلمرو زبانی**: زبان فارسی، معنی واژه، املا

گفتنی این‌که، موضوع «تاریخ ادبیات» در کتاب درسی در شمار هیچ‌یک از قلمروها نیامده و اساساً چنین موضوعی کاملاً نادیده گرفته شده است. به نظر می‌رسد تاریخ ادبیات از نظر اهمیت و محتوا، زیرمجموعه دانش‌های ادبی و متناسب‌تر با «قلمرو ادبی» باشد و از قلمروهای فکری و زبانی به طور مشخص دور است؛ بنابراین، در **ادبیات موضوعی** تاریخ ادبیات را پس از آرایه‌های ادبی در بخش قلمرو ادبی آورده‌ایم.

در تألیف این کتاب از چند گروه سؤال استفاده شده است:

- **آزمون سراسری سال‌های اخیر:** اهمیت کنکور سراسری - با وجود همه اشکالات - به این است که قرار است در همین آزمون با همین سطح سؤالات شرکت کنی؛ بنابراین، هیچ چیز بهتر از کنکورهای گذشته، حال و هوای کنکور آینده را مجسم نمی‌کند.
- **آزمون سراسری فنی - حرفه‌ای:** هم جنبه کنکور سراسری ست و برای سنجیدن اطلاعات کتاب‌های «پایه» مناسب است.

● **آزمون سراسری کارشناسی ارشد:** منابع طرح سؤال «ادبیات عمومی» برای داوطلبان کارشناسی ارشد بسیار نزدیک به منابع داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌هاست. جالب این‌که، برخی از سؤالات ادبیات آزمون کارشناسی ارشد، سال‌های بعد، عیناً در آزمون ورود به دانشگاه‌ها تکرار شده و در حقیقت، تأثیری همانند سؤالات «خارج از کشور» دارند و از این نظر، یک الگوی فوق‌العاده‌اند.

● **آزمون‌های سراسری گاج، از ابتدا تاکنون:** بسیار مایه سربلندیست که سؤالات ادبیات آزمون‌های سراسری گاج که به قلم نویسندگان این کتاب برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود، به انتخاب استادان و کارشناسان حوزه ادبیات، معلّمان، مشاوران و دانش‌آموزان برتر، از بهترین و دقیق‌ترین سؤالات ادبیات در میان همه منابع سنجش و آموزش ادبیات در سراسر کشور است. این انتخاب مسلماً مسئولیت ما را در ادامه راه سنگین‌تر خواهد کرد.

در این کتاب، تا آن‌جا که حجم موضوعات اجازه می‌داد، گزیده سؤالات ادبیات آزمون‌های سراسری گاج را به‌کار گرفتیم و برای جلوگیری از ازدحام کلمات در سمت چپ هر صفحه که باعث خستگی چشم خواننده می‌شود، از ذکر عنوان «آزمون‌های سراسری گاج» به‌عنوان «آدرس» این سؤالات چشم‌پوشی کردیم.

در طراحی این سؤالات، از پشتیبانی هیچ سازمان و مؤسسه آموزشی و همکاری هیچ گروه علمی‌ای استفاده نشده و کلیه حقوق برنامه‌ریزی آزمون‌های ادبیات و استفاده از سؤالات آن متعلق به پدیدآورندگان است.

● **سؤالات تألیفی ویژه ادبیات‌مدرسه:** علاوه بر نمونه‌هایی از سؤالات آزمون‌های سراسری گاج، چندین هزار سؤال هم، ویژه همین کتاب و برای پُر بار کردن موضوعات مختلف طراحی شده‌اند، به‌ویژه سؤالاتی با موضوعات و تیپ‌های جدید که فقط در کنکورهای چند سال اخیر نمونه دارند و تکرار و تمرین آن‌ها نیازمند در اختیار داشتن نمونه‌های بیشتری ست.

## روند آموزشی

**طبقه‌بندی کتاب، آموزش پله پله** // سؤالات در این کتاب، در یک مسیر بسیار ظریف و تودرتو چیده شده‌اند، به‌طوری که هر سؤال، نکته سؤال قبلی را تثبیت و در صورت امکان نکته جدیدی به آن اضافه می‌کند؛ بنابراین، در پاسخ‌گویی به سؤالات، به ترتیب از ابتدا تا پایان پیش برو. هرگز «روند آموزشی» سؤال را قطع نکن و مانند بعضی دروس دیگر، سؤالات را «یکی در میان» یا «با مَضَرَبِ مشخص» (مثلاً ۳ یا ۵) زن! در مواردی، جابه‌جایی حتی یک سؤال، شیرازه آموزشی مطلب را از هم می‌پاشد. پس هرگز این ترتیب را عوض نکن. هر جا تصمیم به تغییر فضای سؤالات داری، از ابتدای تیپ بعدی شروع کن، نه از چند سؤال بعد یا از صفحه بعد.

## نشانه‌ها

**تابلوهای بااهمیت و بدون جریمه** // در مسیر ادبیات‌مدرسه به این نشانه‌ها برمی‌خوری:

توضیح یا نکته آموزشی درباره یک سؤال یا دسته‌ای از سؤالات

نشانه تعداد عناصر مورد سؤال؛ مثلاً تعداد واژه‌ها

و نیز نشانه‌های **عکامل** و **هم‌آوا** مربوط به مبحث «املا» و نشانه **ترکیبی** مربوط به مباحث «معنی واژه» و «املا» که نامشان گویای نقش آن‌هاست و توضیح بیشتر هم، البته در مباحث مربوط آمده است.

## ترمیم

**ماجرای یک جزّاحی بزرگ** // برای سؤالات متأثر از تغییرات کتاب درسی، دو وضعیت پیش آمده است:

الف - بخشی از اطلاعات سؤال حذف شده، اما باقی‌مانده سؤال، همچنان قابل استفاده است.

ب - با اِعمال حذفیات، گزینه درست از بین رفته و باقی‌مانده سؤال، دیگر قابل استفاده نیست.

در حالت «ب» لازم بود، اطلاعات حذف شده از سؤال به نوعی ترمیم شود تا نکات آموزشی سؤال از بین نرود، در غیر این صورت باید صدها نمونه از سؤالات کنکورهای اخیر را که طبیعتاً الگوی کنکورهای آینده هستند، دور می‌ریختیم.

در این مرحله، طوی فرآیند بسیار پیچیده و تخصصی «ترمیم»، اطلاعات حذف شده با اطلاعات دیگری جای‌گزین شده، به‌طوری که مطلب جای‌گزین شده، از لحاظ سطح دشواری، نکته آموزشی و امکان تولید مشابهت فریبنده و چندین مؤلفه دیگر با مطلب حذف شده هم‌خوانی کامل داشته باشد.

## طنز

**یک ظاهر ساده، یک امکان فوق‌العاده** // در شروع سؤالات هر بخش و لابه‌لای سؤال‌ها هر اندازه که لازم یا مفید به نظر رسید، از زبان طنز بهره بردیم. بدون رودربایستی باید گفت که در استفاده از طنز و «سبک» استفاده از آن، فقط و فقط واکنش «دانش‌آموزان» برای نویسندگان کتاب مهم بوده است؛ دانش‌آموزانی از شهرهای مختلف با سطوح علمی مختلف که مخاطبان اصلی کتاب و مشاوران آن بودند و به‌طور جداگانه مختصات مطالب طنز را بارها و بارها سنجیدند.

طنز در ادبیات‌مدرسه، نه تقلیدی از جزوات فکاهی و بی‌مایه مرسوم است و نه مجالی برای لودگی و مسخرگی. این طنز، یک چاشنی ست برای طعم دادن به مطالب خام و شیرین کردن درس‌نامه‌های تلخ و قوانین بی‌قانون کتاب درسی و اصول مبهم و سردرگم آزمون‌های سراسری.

جز در موضوع اول، یعنی قرابت معنایی، لابه‌لای همه سؤالات، برای توضیح مسیر آموزشی کتاب از زبان طنز استفاده کرده‌ایم. در بخش قرابت معنایی معرّفی مفاهیم حتی به زبان رسمی گاه و بی‌گاه با طنز همراه است؛ بنابراین، از توضیحات طنز در بین سؤالات این بخش چشم پوشیدیم.

## پاسخ‌های تشریحی

بدون تو هرگز // قطعاً و حتماً و کاملاً ضروری ست که برای درک گزینه درست و یادگیری نکات پرسش‌ها، پاسخ‌های تشریحی را در جلد دوم بخوانی. آن‌جا یاد می‌گیری که گزینه درست، چرا و چه‌طور و با چه شباهت یا تفاوتی نسبت به گزینه‌های دیگر، به عنوان پاسخ اعلام شده.

## ادبیات در واحد حقوقی، چرا؟!!

**حکایت زاغ و بک و روضه فیروزه‌فام!** // کلیه مطالب ادبیات‌مدرسه به‌ویژه سؤالات تألیفی آن-اعم از سؤالات آزمون‌های سراسری گاج و سؤالات تألیفی ویژه این کتاب - دست‌رنج سرانگشتان زخمی و بی‌حس و چشمان خسته و بیدار نویسندگان کتاب، زیر چراغ‌های همیشه روشن اتاق ادبیات انتشارات گاج است. اگر نگوییم از سر سودجویی، کمال‌کم‌لطفی، بی‌انصافی و ناسپاسی ست که از این مطالب، جز در قالب کتاب حاضر استفاده شود. این خواسته‌ای ست از سر دوستی و از طرف نویسندگان کتاب. سوبه قانونی‌اش این است که استفاده از مطالب این کتاب با هر عنوان و به هر وسیله بدون اجازه ناشر به‌طور جدی موجب دادخواهی قضایی و پی‌گرد قانونی قرار خواهد گرفت؛ چنان‌که در موارد مشابه، واحد حقوقی انتشارات، مراتب را تا رسیدن به نتیجه نهایی و بازپس گرفتن حقوق نویسندگان اثر، مورد پی‌گیری قانونی قرار داده است.

## آرام تا کنکور

**ادبیات‌مدرسه، کتاب بالینی** // کتاب ادبیات موضوعی یک «جمله شش جزئی» گذرا به «قرابت معنایی، آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات، زبان فارسی، معنی واژه و املا» است. یک سفره رنگین و یک بستر آرام و پر از طرح و نقش است. اشتیاق تسلط بر مباحث ادبیات کنکور مجبورت می‌کند که با ادبیات‌مدرسه بخوابی و با ادبیات‌مدرسه بیدار شوی. ادبیات‌مدرسه یک «کتاب بالینی» ست. دوستش داشته باش و در کنارش آرام بمان.

## ارتباط با نویسندگان کتاب

**یک جای دنج** // جایی برای این‌که بیایی، بنشینی، سؤال جواب کنی. برای این‌که بخوانی و بنویسی. جایی برای تو، برای همه دوست‌داران ادبیات‌مدرسه

mozui@gmail.com

## حرف آخر

**خودمانی با خودت** // حرف‌های دیگری و بهتری بود برای زدن، که ماند.

که کتاب، دور از دست‌های نویسنده هزار چرخ می‌خورد.

که مهم این است که تو خوب باشی.

که با همین «ادبیات‌مدرسه» ممکن «به چیزی که هر سه‌تاما می‌خواهیم، برسی.

امیر نجات شجاعی - مهدی نظری

## فهرست مطالب

۲۳۴	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار
۲۴۶	درس سوم: سفر به بصره
۲۵۰	درس پنجم: کلاس نقاشی
۲۵۳	درس ششم: مهر و وفا
۲۵۹	درس هفتم: جمال و کمال
۲۶۸	درس هشتم: در سایه‌سار نخل ولایت
۲۷۰	درس نهم: غزش شیران
۲۷۶	درس دهم: دریدلان صف‌شکن
۲۷۹	درس یازدهم: خاک آزادگان
۲۸۲	درس دوازدهم: رستم و اشکبوس
۲۸۳	درس سیزدهم: گردآفرید
۲۸۵	درس چهاردهم: طوطی و بقال
۲۹۰	درس شانزدهم: خیر و شر
۲۹۴	درس هفدهم: سپیده‌دم
۲۹۵	درس هجدهم: عظمت نگاه
۳۰۴	نیایش: ای خدا
۳۰۶	قربان ترکیبی

### قلمرو ادبی - آرایه‌های ادبی

۳۲۰	تیپ‌شناسی سؤالات آرایه‌های ادبی
۳۲۲	مراعات‌نظیر (تناسب)
۳۲۵	تضاد (طباق)
۳۲۹	پارادوکس (تناقض، متناقض‌نما)
۳۳۶	واج‌آرایی (نغمه حروف)
۳۳۹	جناس
۳۴۶	اغراق
۳۴۹	تلمیح
۳۵۴	تضمین
۳۵۷	ایهام
۳۶۰	ایهام تناسب
۳۶۷	حسن آمیزی
۳۷۱	حسن تعلیل
۳۷۶	اسلوب معادله
۳۸۲	تشبیه
۳۸۹	استعاره نوع ۱ (آشکار / مصرّحه)
۳۹۰	استعاره نوع ۲ (پنهان / مکتّبه)
۳۹۸	کنایه
۴۰۲	مجاز
۴۰۵	سجع
۴۰۸	ترکیبی: الف - آرایه در گزینه
۴۱۴	ترکیبی: ب - آرایه در سؤال
۴۲۹	ترکیبی: ج - برابرِ گزینه
۴۳۶	ترکیبی: د - الفبایی

### قلمرو فکری - قربان معنایی

۱۸	مهارت‌های خواندن
۳۰	تیپ‌شناسی سؤالات قربان معنایی

#### فارسی ۳

۳۴	ستایش: ملکا ذکر تو گویم
۳۶	درس یکم: شکر نعمت
۴۳	درس دوم: مست‌وهشیار
۵۴	درس سوم: آزادی
۶۰	درس پنجم: دماوندیه
۶۷	درس ششم: نی‌نامه
۸۱	درس هفتم: در حقیقت عشق
۹۵	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۱۰۱	درس نهم: کویر
۱۱۰	درس دهم: فصل شکوفایی
۱۱۷	درس یازدهم: آن شب عزیز
۱۲۱	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
۱۳۰	درس سیزدهم: خوان هشتم
۱۳۵	درس چهاردهم: سی‌مرغ و سیم‌رغ
۱۴۹	درس شانزدهم: کباب غاز
۱۵۵	درس هفدهم: خنده تو
۱۵۸	درس هجدهم: عشق جاودانی
۱۶۱	نیایش: لطف تو

#### فارسی ۲

۱۶۳	ستایش: لطف خدا
۱۶۵	درس یکم: نیکی
۱۶۹	درس دوم: قاضی بُست
۱۷۲	درس سوم: در کوی عاشقان
۱۷۵	درس پنجم: ذوق لطیف
۱۷۹	درس ششم: پرورده عشق
۱۸۲	درس هفتم: باران محبت
۱۸۸	درس هشتم: در امواج سند
۱۹۱	درس نهم: آغازگری تنها
۱۹۴	درس دهم: رباعی‌های امروز
۱۹۷	درس یازدهم: یاران عاشق
۲۰۰	درس دوازدهم: کاوه دادخواه
۲۰۵	درس چهاردهم: حمله حیدری
۲۰۷	درس پانزدهم: کیوتر طوق‌دار
۲۱۱	درس شانزدهم: قصه عینکم
۲۱۵	درس هفدهم: خاموشی دریا
۲۱۷	درس هجدهم: خوان عدل
۲۲۴	نیایش: الهی

#### فارسی ۱

۲۲۵	ستایش: به نام کردگار
۲۲۸	درس یکم: چشمه

## فهرست مطالب

### فارسی ۲

ستایش + فصل یکم	۶۰۹
فصل دوم	۶۱۵
فصل سوم	۶۲۰
فصل چهارم	۶۲۵
فصل پنجم	۶۲۹
فصل ششم	۶۳۲
فصل هفتم	۶۳۹
فصل هشتم + نیایش	۶۴۷

### فارسی ۳

ستایش + فصل یکم	۶۵۰
فصل دوم	۶۵۶
فصل سوم	۶۶۰
فصل چهارم	۶۶۴
فصل پنجم	۶۶۹
فصل ششم	۶۷۲
فصل هفتم	۶۸۰
فصل هشتم + نیایش	۶۸۸

### قلمرو زبانی - املا

تیپ‌شناسی سؤالات املاي واژه	۶۹۴
-----------------------------	-----

### فارسی ۱

واژگان هم‌آوا و متشابه	۶۹۷
واژگان ریشه‌دار	۶۹۸
واژگان بی‌ریشه	۷۰۰
سؤالات فارسی (۱)	۷۰۱

### فارسی ۲

واژگان هم‌آوا و متشابه	۷۲۰
واژگان ریشه‌دار	۷۲۱
واژگان بی‌ریشه	۷۲۵
سؤالات فارسی (۲)	۷۲۶

### فارسی ۳

واژگان هم‌آوا و متشابه	۷۵۵
واژگان ریشه‌دار	۷۵۶
واژگان بی‌ریشه	۷۵۸
سؤالات فارسی (۳)	۷۵۹

کنکور ۹۸	۷۸۰
پاسخنامه کلیدی	۷۹۵

### قلمرو ادبی - تاریخ ادبیات

تیپ‌شناسی سؤالات تاریخ ادبیات	۴۵۰
درس‌نامه ۱۰	۴۵۱
درس‌نامه ۱۱	۴۵۱
درس‌نامه ۱۲	۴۵۳
سؤالات ترکیبی	۴۵۳

### قلمرو زبانی - زبان فارسی

فهرست درس‌یاب	۴۶۶
واحدهای زبان - تکواژ	۴۶۸
واحدهای زبان - واژه	۴۷۸
ساختمان واژه	۴۸۱
گروه اسمی - هسته و وابسته	۴۹۴
گروه اسمی - وابسته وابسته	۵۰۳
گروه اسمی - ترکیب‌های وصفی و اضافی	۵۰۸
گروه اسمی - نقش‌های تبعی	۵۱۵
فعل و اجزای جمله - گروه فعلی	۵۱۹
فعل و اجزای جمله - نقش‌های دستوری	۵۲۳
انواع جمله‌های مستقل	۵۳۲
حذف و انواع آن	۵۳۷
شیوه‌های بیان	۵۴۱
روابط معنایی واژه‌ها	۵۴۵
تعدد معنایی واژه‌ها	۵۴۷
واژگان هم‌آوا	۵۵۲
واژگان دوتلفظی	۵۵۳
وضعیت‌های چهارگانه (سرنوشت معنی واژه در طول زمان)	۵۵۴
انواع «الف و نون»	۵۵۶
جمع مکسر	۵۵۷
دستور تاریخی - صفت‌های پیشین و پسین	۵۵۹
دستور تاریخی - متمم با دو حرف اضافه	۵۶۰
دستور تاریخی - «را» در معنی حرف اضافه	۵۶۰
دستور تاریخی - زمان افعال	۵۶۱
دستور تاریخی - فعل دعایی	۵۶۴
دستور تاریخی - حذف شناسه به قرینه لفظی	۵۶۵

### قلمرو زبانی - معنی واژه

تیپ‌شناسی سؤالات معنی واژه	۵۷۰
----------------------------	-----

### فارسی ۱

ستایش + فصل یکم	۵۷۳
فصل دوم	۵۷۹
فصل سوم	۵۸۴
فصل چهارم	۵۸۸
فصل پنجم	۵۹۲
فصل ششم	۵۹۷
فصل هفتم	۶۰۲
فصل هشتم + نیایش	۶۰۶

# قرابت معنایی



موضوع: قرابت معنایی

نوع: مفهومی

محتوا: پیام محوری ابیات و عبارات

ریز موضوعات: معنی (ترجمه بیت و عبارت)

مفهوم (پیام بیت و عبارت)

سؤالات با طعم واژه (تشخیص تلفظ و معنی واژه درست)

سؤالات با طعم تاریخ ادبیات (تشخیص شخصیت‌های داستانی و اقدامات و سرانجام آن‌ها،

تشخیص زمینه‌های حماسی)

تناسب کارکردی

تناسب تصویری

منبع مطالعه:

همه محتوای کتاب‌های درسی، شامل:

- ستایش
- متن درس
- کارگاه متن پژوهی
- گنج حکمت
- روان‌خوانی
- شغرخوانی
- نیایش

تنوع تیپ: ۷ گونه

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: متوسط

قدم اول، مرتب کردن ارکان دستوری جمله است. ارکان جمله، از نظر این‌که درست دنبال هم آمده‌اند یا نه، دو شکل «مرتّب» و «نامرتّب» دارند.

### «ارکان مرتّب»

در این حالت، ارکان جمله به‌درستی چیده شده‌اند و نیاز به هیچ تغییری ندارند. بیت، روان خوانده می‌شود و اگر روان خوانده نمی‌شود، ربطی به نامرتّب بودن ارکان ندارد، بلکه «دشواری» مربوط به خطا در تلفّظ کلمه‌ها و عبارت‌هاست:

هنرور چنیـن زندگانـی کنـد      جفا بینـد و مهربانـی کنـد

در جملات با ارکان مرتّب ممکن است حذف بخشی از جمله - به قرینه لفظی یا معنوی یا هر دو - اتفاق افتاده باشد. حذف، ترتیب ارکان را به هم نمی‌ریزد، بلکه در این حالت، از زنجیره ارکان مرتّب، چیزی جا افتاده که با معنی کردن بیت، به سادگی فهمیده می‌شود:

ای شاه ولایت دو عالم مددی      بر عجز و پریشانی حالم مددی

ارکان، مرتّب‌اند، اما فعل «کن» به قرینه معنوی از پایان هر دو مصراع حذف شده.

### «ارکان نامرتّب»

در این حالت، ارکان جمله به‌درستی چیده نشده‌اند، بلکه به دلیلی - دست‌کم به ضرورت وزن - جابه‌جا شده‌اند و برای درک آسان معنی، باید مرتّب شوند. برای مرتّب کردن ارکان، مهم این است که فعل، آخر و نهاد هم، آن اول‌ها باشد! مثلاً مسند هم، قبل از فعل اسنادی بیاید خوب است. همین. سخت نگیر!

به زخم‌خورده شکایت کنم ز دست جراحت      که تن‌درست ملامت کند چو من بخروشم

شکل مرتّب‌شده:

ز دست جراحت به زخم‌خورده شکایت کنم / که چو من بخروشم تن‌درست ملامت کند

روشن است که در جملاتی با ارکان نامرتّب هم - علاوه بر به‌هم‌ریختگی ارکان - ممکن است حذف لفظی یا معنوی وجود داشته باشد:

بگفتاگر خرامی در سـرایش؟      بگفت اندازم این سر زیر پایش

شکل مرتّب‌شده و کامل‌شده:

بگفتاگر در سرایش خرامی [چه می‌کنی]؟ / بگفت این سر [را] زیر پایش اندازم

### «رقص ضمیر»

گاهی نامرتّب بودن ارکان، مربوط به جابه‌جایی فعل نیست، بلکه ممکن است با وجود قرار گرفتن فعل در پایان جمله، ضمیری در داخل جمله، از جای خود تکان خورده باشد. جابه‌جایی ضمیر که اصطلاحاً «رقص ضمیر» هم نام گرفته، شکل دیگری از نامرتّب بودن ارکان است.

یگم روز بر بنده‌ای دل بسـوخت      که می‌گفت و فرماندهش می‌فروخت

شکل مرتّب‌شده:

یک روز دلم بر بنده‌ای که می‌گفت و فرمانده، او [را] می‌فروخت، بسوخت.

روشن است که جابه‌جایی ضمیر می‌تواند در جمله‌ای اتفاق افتاده باشد که ارکان نامرتّب با جابه‌جایی فعل هم دارد، یعنی هم

درهم‌ریختگی ارکان اصلی جمله و هم رقص ضمیر:

شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر      کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

شکل مرتّب‌شده:

شور شراب عشق تو آن نفس ز سرم رود / کاین سر پرهوس خاک در سرای تو شود

## بررسی نمونه‌ای از سؤالات قرابت معنایی آزمون سراسری، براساس «مراحل شش‌گانه استخراج مفهوم» تا رسیدن به پاسخ سؤال، بررسی می‌کنیم

مفهوم عبارت «هنر، در نیکوفعلی است که به سخن نیکو، آن مزیت نتوان یافت.» با همه ابیات، به جز بیت ..... تناسب دارد.

(خارج از کشور ۹۳)

- |                                    |                                  |
|------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) کسی را که آید زمانش به سر       | ز مردی به گفتار جویید هنر        |
| ۲) تا به گفتاری، پُر بار، یکی نخلی | چون به فعل آیی، پُر خار، مغیلانی |
| ۳) چه در کار است با گفتار کردار؟   | پی کردار گردد و ترک گفت، آر      |
| ۴) شاهراه شرع را بر آسمان علم جوی  | مرکب گفتار پی کن چنگ در کردار زن |

### بررسی عبارت سؤال:

هنر، در نیکوفعلی است که به سخن نیکو، آن مزیت نتوان یافت.

ترتیب ارکان: هنر، در نیکوفعلی است که به سخن نیکو، آن مزیت نتوان یافت.

ارکان جمله به همین صورت موجود، مرتب است.

درست خوانی: جمله، ساده و روان است و پیچیدگی خاصی در خواندن ندارد.

ترجمه: نیکوفعلی (درست‌کاری، عمل نیکو)

بازگردانی: فضیلت به عمل نیکوست [و این مزیتی‌ست] که با سخن نیکو نمی‌توان آن مزیت را به دست آورد.

استخراج مفهوم: ترجیح کردار بر گفتار

شرایط سؤال: با توجه به این‌که عبارت سؤال، یک مفهوم مشخص دارد و نه چند مفهوم جداگانه، طراح سؤال، مسلماً همین مفهوم را مدنظر داشته و شرایط سؤال و گزینه‌ها چیزی را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین در استخراج مفهوم گزینه‌ها، عملاً مرحله ششم حذف می‌شود.

### بررسی گزینه‌ها:

- ۱) کسی را که آید زمانش به سر / ز مردی به گفتار جویید هنر
- ترتیب ارکان: کسی را که زمانش به سر آید / ز مردی به گفتار هنر جویید
- درست خوانی: سر (سر، سِر) / مردی (مردی، مُردی)
- بیت ساده است و پیچیدگی خاصی در خواندن ندارد.
- ترجمه: زمان (عمر) / مردی (مردانگی) / هنر (چاره، تدبیر)
- بازگردانی: کسی که عمرش به پایان رسیده باشد [و خود را در آستانه شکست از حریف و نابودی ببیند]، به جای [تکیه کردن به] مردانگی [ناچار می‌شود] با سخن [چرب و نرم] چاره‌ای [برای رهایی] ببیند.
- استخراج مفهوم: متوسل شدن به زبان‌بازی و نیرنگ در آستانه نابودی

- ۲) تا به گفتاری پربار یکی نخلی / چون به فعل آیی پرخار مغیلانی
- ترتیب ارکان: تا به گفتاری یکی نخل پرباری / چون به فعل آیی مغیلان پرخاری

درست خوانی: پر (پُر - پُر)

بیت، ساده است و پیچیدگی خاصی در خواندن ندارد.

ترجمه: فعل (کار، عمل، اقدام) / مغیلان (درختچه‌ای با خارهای بسیار تیز)

بازگردانی: تا زمانی که [صرفاً] مشغول سخن‌گفتنی، [مانند] یک درخت خرمای پرمیوه [شیرین و دل‌چسب] هستی، [اما] وقتی به [سراغ]

عمل [و اقدام جدی] می‌آیی، [نتیجه کار به قدری نامطلوب است که مانند] بوته مغیلان پرخار [آزادهنده] می‌شوی.

استخراج مفهوم: ترجیح کردار بر گفتار



## تپشناسی سؤالات قرابت معنایی

در سؤالات معنی واژه با ۷ تپّ اصلی به این نام‌ها روبه‌رو می‌شوی:  
مقایسه با سؤال، مقایسه با گزینه‌ها، الفبایی، مفهوم در سؤال، شخصیت‌های داستانی، روایت منظوم، ترکیبی

نام تپّ:

مقایسه با سؤال

ساختار: یک یا چند بیت یا عبارت را در صورت سؤال می‌بینی و چهار بیت پیشنهادی را در گزینه‌ها.  
ویژگی: صورت سؤال، مفهوم را مشخص می‌کند و در گزینه‌ها کافی ست به دنبال بیت یا ابیات هم‌مفهوم بگردی.  
فراوانی: روی هم ۵ بیت  
شگرد پاسخ‌گویی: مقایسه مفهوم بیت یا عبارت سؤال با گزینه‌ها

نمونه: مفهوم بیت «برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقی دفتری است معرفت کردگار» با کدام بیت متناسب است؟

- ✓ (۱) سرود عشق ز مرغان بوستان بشنو  
✗ (۲) بهار آمد و گلزار نورباران شد  
✗ (۳) ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید  
✗ (۴) به غنچه‌گوی که از روی خویش پرده فکن
- جمال یار ز گل برگ سبز تابان شد  
چمن ز عشق رخ یار، لاله‌افشان شد  
که طرف دشت چو رخسار سرخ مستان شد  
که مرغ دل ز فراق رخت پریشان شد

(سراسری ریاضی ۹۳)

پاسخ: گزینه (۱) مفهوم مشترک سؤال و گزینه (۱): در دل هر دژه حقیقتی آشکار است. / جلوه خداوند در تمام ذرات جهان  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) اشتیاق جهان برای حضور معشوق (۳) طلب حضور یار / شورانگیزی عشق (۴) طلب وصل

نام تپّ:

مقایسه با گزینه‌ها

ساختار: تنها چهار بیت را در گزینه‌ها می‌بینی و در صورت سؤال، بیت یا عبارتی وجود ندارد.  
ویژگی: صورت سؤال، هیچ مفهوم مشخصی را معرفی نمی‌کند و تنها با بررسی گزینه‌ها می‌توان مفهوم مشترک را به‌دست آورد.  
فراوانی: روی هم ۴ بیت  
شگرد پاسخ‌گویی: مقایسه مفهوم گزینه‌ها با هم

نمونه: مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ✗ (۱) بستر سودای تو در سینه بماندی پنهان  
✓ (۲) چهره خورشید پنهان است در زنگار من  
✗ (۳) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت  
✗ (۴) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را
- چشم تردامن اگر فاش نکردی رازم  
می‌زند صیقل به چشم بسته روشن‌گر مرا  
که آب دیده سرخم بگفت و چهره زردم  
که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

(سراسری ریاضی ۹۳)

پاسخ: گزینه (۲) مفهوم گزینه (۳): مناعت طبع و بلندنظری  
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: پنهان‌نشدنی بودن راز عشق

نام تپّ:

الفبایی

ساختار: تعداد ابیات بیش از چهار تا ست؛ به همین دلیل، این ابیات، نه در گزینه‌ها، بلکه با حروف الفبا معرفی می‌شوند.  
ویژگی: سؤال، وقت‌گیر به نظر می‌رسد، اما ابیات ساده‌اند و مفهوم مشخص دارند.  
فراوانی: حداکثر ۸ بیت  
شگرد پاسخ‌گویی: مقایسه مفاهیم و توجه به هم‌نشینی حروف الفبا در گزینه‌ها

نمونه: در کدام ابیات مفهوم «ز هم صحبت بد جدایی جدایی» یافت می‌شود؟

- الف) آن چه جاهل دید خواهد عاقبت  
ب) بر نشوی تو به جهان برین  
ج) هر که با دیگ هم‌نشین گردد  
د) یار ناپایدار دوست مدار  
ه) طلب صحبت خسان نکنی  
و) گر تو نیکی بدان کنند بدت
- عاقلان بینند از اول مرتبت  
تات همی دیو بود هم‌نشین  
جامه خویش را سیاه کند  
دوستی را شاید این غدار  
تکیه بر عهد ناکسان نکنی  
کم کند صحبت بدان خردت
- ✗ (۱) الف - ب - ه - د  
✗ (۲) الف - ج - د - و  
✗ (۳) و - ه - ب - الف  
✓ (۴) و - ج - ه - ب

(سراسری ریاضی ۹۳)

پاسخ: گزینه (۴) مفهوم مشترک مصراع سؤال و گزینه (۴): پرهیز از هم‌نشینی با بدان  
مفهوم سایر بیت‌ها: الف) آینده‌نگری خردمندان د) ناپایداری و بی‌وفایی دنیا



### نام تیپ:

### مفهوم در سؤال

ساختار: نام مفهوم را در صورت سؤال می‌دهند.  
ویژگی: پاسخ‌گویی آسان به دلیل مشخص بودن مفهوم خواسته شده.  
فراوانی: ۴ بیت  
شگرد پاسخ‌گویی: یافتن بیت مرتبط با مفهوم ارائه شده. همین!

نمونه: کدام بیت بیانگر «تأثیرپذیری عاشق و معشوق از یک‌دیگر» است؟

- ۱ ✗ اول چراغ بودی آهسته شمع گشتی  
۲ ✗ رواست گر همه عمرش به انتظار سرآید  
۳ ✓ لرزه افتاد به شمع از اثر یک‌رنگی  
۴ ✗ از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
- آسان فراگرفتم در خرمن اوفتادی  
کسی که جان به ارادت نداده بر سر راهی  
باد اگر تند به خاکستر پروانه گذشت  
زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت

(سراسری زبان ۹۳)

پاسخ: گزینه (۳) در ادبیات فارسی شمع نماد معشوق و پروانه نماد عاشق پاکباز است. در بیت گزینه (۳) به خاطر وابستگی وجودی و اتحاد یا به قولی «یک‌رنگی» عاشق و معشوق، وزش باد بر خاکستر پروانه موجب لرزه افتادن بر وجود شمع می‌شود.  
مفهوم سایر گزینه‌ها: ۱) عاقبت وخیم تساهل در راه عشق/ تأثیر نامحسوس معشوق بر عاشق  
۲) جان‌فشانی شرط اثبات دعوی عشق است.  
۴) دشواری و بی‌کرانگی راه عشق

### نام تیپ:

### شخصیت‌های داستانی

ساختار: بیت‌ها معرّف یک یا چند «شخصیت» اند. این شخصیت‌ها را در کتاب درسی دیده‌ای.  
ویژگی: نیاز به آشنایی با شخصیت‌های داستانی و عقیده و عملکردشان دارد.  
فراوانی: حداکثر ۴ شخصیت  
شگرد پاسخ‌گویی: توجه به کلمات کلیدی هر بیت. معمولاً تنها ردّی برای یافتن نام شخصیت مورد نظر، همین کلمات کلیدی هستند.

نمونه: در ابیات زیر به ترتیب چه کسانی معرفی شده‌اند؟

- منم پور آن نیک‌بخت آبتین  
یکی بی‌زبان مرد آهنگرم  
منی کرد آن شاه یزدان‌شناس  
که ضحاک بگرفت از ایران زمین  
ز شاه آتش آید همی بر سرم  
ز یزدان بی‌چید و شد ناسپاس
- ۱ ✗ سیاوش - کاوه - ضحاک  
۲ ✗ فرود - زواره - ضحاک  
۳ ✓ فریدون - کاوه - جمشید  
۴ ✗ فریدون - فرود - جمشید

(سراسری فارغ از کشور ۸۹)

پاسخ: گزینه (۳)

پور آبتین: فریدون که پدرش، آبتین، به دست ضحاک گرفتار شد و مغز سرش را به ماران دادند.  
مرد آهنگر: کاوه؛ چهره‌ای انقلابی که به هواداری فریدون بر ضدّ پادشاه ظالم وقت، ضحاک، قد برافراشت.  
شاه یزدان‌شناس: جمشید، پادشاه ایران قبل از ضحاک، که برخی از فنون و پیشه‌ها را به جهانیان آموخت، اما پس از مدّتی به تدریج خودبینی و ناسپاسی نسبت به خداوند بر او چیره شد.

### نام تیپ:

### روایت منظوم

ساختار: شکل شعری حکایتی که آن حکایت را در کتاب درسی خوانده‌ای.  
ویژگی: همه گزینه‌ها به نوعی به حکایت سؤال مربوط‌اند، اما لازم است هر گزینه با یک بخش از حکایت، ارتباط مستقیم داشته باشد.  
فراوانی: حداکثر ۴ بیت  
شگرد پاسخ‌گویی: مطالعه واژه به واژه و دقیق حکایت و ربط دادن هر بیت به قسمتی از داستان

نمونه: همه ابیات، به استثنای بیت ..... صورت منظوم بخشی از عبارات زیر است.

«این غلامی است که حادی است و صوتی خوش دارد. من این را به ضیاع خود فرستادم با اشتری چند تا برای ما غله آرد. وی برفت و دو بار شتر بر هر اشتری نهاد و اندر راه حدی می‌کرد و اشتران می‌شتافتند تا به مدّتی قریب این‌جا آمدند. چون بار از اشتران فروگرفتند، اشتران همه یگان دوگان هلاک شدند.»

- ۱ ✓ چو در سختی چنان راهی سپردند  
۲ ✓ که تا آن اشتران بی‌خورد و بی‌خواب  
۳ ✗ جوان‌مردا شتر را گر حدی هست  
۴ ✓ حدایی زار و زنگی خوش‌آواز
- به هم هر چارصد آن‌جا بمرند  
ز پس کردند ده منزل در آن تاب  
تو را از حضرت حق صد ندا هست  
بسه ره در اشتران را داد پرواز

(سراسری فارغ از کشور ۸۹)

پاسخ: گزینه (۳) مفهوم گزینه (۳): لزوم توجه به ندای دعوت الهی

عبارت‌های مرتبط با سایر گزینه‌ها: ۱) اشتران همه یگان دوگان هلاک شدند

۲) اشتران می‌شتافتند تا به مدّتی قریب این‌جا آمدند.  
۴) این غلامی است که حادی است و صوتی خوش دارد ...

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی؛ اظهار بندگی همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی؛ یگانگی صفات خداوند / تنها خداوند شایسته پرستش است. / توانایی و جنبش موجودات به برکت لطف و کرم خداوند است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی؛ صفات خدا / تنها خداوند شایسته پرستش است. / بخشندگی و فضل خداوند نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی؛ عجز عقل انسان از درک و وصف خداوند / بی‌همتایی خداوند همه عزتی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نوریتی و سروری همه جودیتی و جزایی؛ صفات خداوند همه غیبی تو بدانی؛ همه عیبی تو ببوشی / همه بی‌شی تو بکاهی؛ همه کمتی تو فزایی؛ ستارالعیوبی (عیب‌پوشی) خدا / علام‌الغیوبی (غیب‌دانی) خدا / عزت و ذلت به دست خدا است. ﴿تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ عزت و ذلت به دست خداوند است.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بپوش روی رهایی؛ سنایش خدا با همه وجود / اقرار به یگانگی خدا موجب رهایی

### بخشندگی و فضل خداوند

این که خدا در آفرینش انسان و سایر موجودات، به دنبال منفعت شخصی (!) نبوده، بلکه هدف از آفرینش، ابراز «لطف و بخشندگی» بوده است. این مفهوم، به بخشندگی خداوند اشاره می‌کند و به علاوه، تأکید می‌کند که اصلاً هدف از آفرینش این بوده که بنده‌ها مورد لطف و بخشش خدا قرار بگیرند.

(زبان ۸۵)

۱- بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- ۱) عشق، دریایی کرانه ناپدید
- ۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
- ۳) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
- ۴) زشت باید دید و انگارید خوب

### ناشناختنی بودن خداوند

عجز انسان از درک و توصیف خدا؛ این که عقل و درک و حدس و وهم و گمان و پندار انسان نمی‌توانند حقیقت خداوند را بفهمند. هرچه قدر انسان تلاش کند و هر طور هم که خدا را توصیف کند، حقیقت خداوند چیزی برتر، فراتر و متفاوت با تصورات آدمی است. فقط خداوند است که می‌تواند خود را توصیف و معرفی کند. پرسش‌های زیر، این «عجز و ناتوانی» را مورد تأکید قرار داده‌اند.

(کارشناسی ارشد ۹۰)

۲- همه ابیات زیر اشاره به «ناتوانی انسان از شناخت خداوند» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) اگرچه جان ما می‌پی برد راه
- ۲) با تقاضای عقل و نفس و حواس
- ۳) هرچه را «هست» گفتی از بن و بار
- ۴) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ و هم

۳- کدام گزینه با بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) به پیشگاه قبول تو راه نیست مگر
- ۲) تو را برتر از حد خود راه نیست
- ۳) بیار باده که تا راه نیستی گیرم
- ۴) در وهم نیاید و صفت نتوان کرد

۴- کدام گزینه با بیت «نه در ایوان قریش وهم را بار / نه با چون و چرایش عقل را کار» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ و هم
- ۲) در وهم کی آید که خداوند ملوک
- ۳) بر وصف تو دست عقل دانا نرسد
- ۴) کجا وصف تو داند کرد ادراک؟

۵- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) نه در ایوان قریش و هم را بار
- ۲) تا به جایی رسی که می‌نرسد
- ۳) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و هم
- ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

- ۱) ولکن گشته او را کی برسد راه
- ۲) کی نتوان بود کردگار شناس؟
- ۳) گفتی او را شریک، هوش می‌دار!
- ۴) نه در ذیل وصفش رسد دست فهم

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

## عزّت و ذلّت به دست خداست.

گرامی بودن و خوار شدن بنده، در دست خداوند است. این خداست که آدم را عزیز می‌کند یا ذلیل؛ ثقل و نبات سؤالات این مفهوم، یک عده کلمات کلیدی مشخص و پرتکرار است؛ مثل «تَعَزُّ» و «تَذِلُّ» و «يَعِزُّ» و «يَذِلُّ» و «من تشاء» و «من يشاء»؛ «عزّت» و «عزیز» و «عزیزی» و «خوار» و «خواری»؛ به اضافه مفاهیم «بلندی و پستی» و «بالا و پست»، و مفهوم «از ماه به چاه آوردن» و «از چاه به ماه بُردن» و از همین قبیل. می‌گوید: هرچه خدا بخواند، همان می‌شود. اگر خدا نخواهد، هرکاری هم که بکنی فایده‌ای ندارد. همه چیز بستگی به نظر و لطف خودش دارد. اگر نیم‌نگاهی بکند، به اوج می‌رسی و اگر نگاهش را برگرداند ...

۶- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه شریفه «تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی.) متفاوت است؟ (یاض ۹۰)

- |                               |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ۱) یکی را همی تاج شاهی دهد    | ۱) یکی را به دریا به ماهی دهد   |
| ۲) یکی را که در بند بینی مخند | ۲) مبادا که روزی درافتی به بند  |
| ۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند  | ۳) یکی را کند خوار و زار و نژند |
| ۴) یکی را ز ماهی رساند به ماه | ۴) یکی را ز مه اندر آرد به چاه  |

۷- به مضمون آیه شریفه «تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی.) در کدام بیت اشاره نشده است؟ (انسانی ۸۸)

- |                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) کلاه سعادت یکی بر سرش            | ۱) گلیم شقاوت یکی در برش            |
| ۲) ادیم (= سفره) زمین سفره عام اوست | ۲) بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست |
| ۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت      | ۳) یکی را به خاک اندر آرد ز تخت     |
| ۴) گلستان کند آتشی بر خلیل          | ۴) گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل      |

۸- مفهوم آیه شریفه «تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی.) با کدام بیت متناسب است؟ (هنر ۸۶)

- |                                  |                                     |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) آن‌که را کردگار کرد عزیز      | ۱) نتواند زمانه خوار کند            |
| ۲) آن‌که خود را شناخت نتواند     | ۲) آفریننده را کجا داند؟            |
| ۳) آن‌که عیب تو گفت، یار تو اوست | ۳) و آن که پوشیده داشت، مار تو اوست |
| ۴) آن‌که را با طمع سروکار است    | ۴) گر عزیز جهان بود خوار است        |

۹- کدام گزینه با مفهوم آیه شریفه «تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی، خوار می‌گردانی.) تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| ۱) هرکه را حق عزیز می‌دارد              | ۱) کی کند چرخ روزگار ذلیل؟             |
| ۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی | ۲) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی |
| ۳) بر من از صد هزار عزّت بیش            | ۳) آن که باشم ذلیل و خوار تو من        |
| ۴) یکی را ز ماه اندر آری به چاه         | ۴) یکی را ز چاه اندر آری به ماه        |

۱۰- کدام بیت با مضمون بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» تناسب معنایی دارد؟

- |   |                                 |
|---|---------------------------------|
| ۱) و دانستی آن‌که عزّت و ذلّت کدام راست | ۱) درویشی اختیار کنی بر توانگری |
| ۲) نباشد هیچ عزّت به ز دانش             | ۲) نباید بُد دمی غافل ز دانش    |
| ۳) عزیزی و خواری تو بخشی و بس           | ۳) عزیز تو خواری نبیند ز کس     |
| ۴) هرکه در زندگی بخیل بُود              | ۴) چون بمیرد چو سگ ذلیل بُود    |

۱۱- کدام گزینه با بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| ۱) بندهام، خواه قبولم کن و خواهی رد از آنک | ۱) عزّت و خواری در کوی وفا یکسانند |
| ۲) این دولت من بس که منم بنده تو           | ۲) این عزّت من بس که خداوند تویی   |
| ۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند               | ۳) یکی را کند بنده و مستمند        |
| ۴) چو عزّت بایدت ترک طمع کن                | ۴) گدایان را از این معنی ست خواری  |

۱۲- کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- |                                   |                                 |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| «جهان را بلندی و پستی تویی»       | ۱) ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی» |
| ۱) به نام خداوند هر بود و هست     | ۱) نگارنده نقشش بالا و پست      |
| ۲) یکی را ز ماه اندر آری به چاه   | ۲) یکی را ز چاه اندر آری به ماه |
| ۳) عزیزی و خواری تو بخشی و بس     | ۳) عزیز تو خواری نبیند ز کس     |
| ۴) چنان دان که یکسر فریب است و بس | ۴) بلندی و پستی نمائند به کس    |

۱۳- مفهوم بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» با کدام بیت تناسب دارد؟

- |                                |                                  |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ۱) مهیا کن روزی روزی و مـ      | ۱) اگرچند بی‌دست و پویا و زور    |
| ۲) بشهر مـ اورای جلالت نیافت   | ۲) بصر منتهای جمالش نیافت        |
| ۳) عزیزی که هر کز درش سر بتافت | ۳) به هر در که شد هیچ عزّت نیافت |
| ۴) یکی را به سر بر نهد تاج بخت | ۴) یکی را به خاک اندر آرد ز تخت  |

مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. عبادت موجب نزدیکی به خداوند / شکر نعمت موجب فراوانی نعمت

هر نفسی که فرومی‌رود، مُمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّح ذات، نعمت حیات / زندگی بخش بودن کوچک‌ترین نعمت‌های خداوند

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. لزوم سپاس‌گزاری از جزئی‌ترین نعمت‌ها

از دست و زبان که بر آید / کَرِ عهده شکرش به درآید؟ عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾ (ای خاندان داوود، سپاس بگزارید و عده کمی از بندگان من سپاس‌گزارند). ناسپاسی بندگان و ضرورت شکر نعمت

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد؛ دعوت به توبه و عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند

ورنه، سزاوار خداوندی‌اش / کس نتواند که به جای آورد؛ عجز انسان از به جا آوردن شکر خداوند

بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. بخشاینده‌گی و روزی‌رسانی خداوند

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد. ستارالعیوب بودن (عیب‌پوشی) خداوند

وظیفه روزی به خطای منکر نبرد؛ روزی‌رسانی خداوند با وجود ارتکاب گناه بندگان

فَراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشی زَمَرْدین بگسترَد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهدِ زمین پیرورد. درختان را به خلعتِ نوروزی قباي سبزِ ورق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را قدومِ موسمِ ربیعِ کلاه شکوفه بر سر نهاده؛ عامل اصلی همه پدیده‌ها خداوند است. / طبیعت جلوه‌ای از محبت و کرم خداوند است.

عصاره تاکی به قدرت او شهادت فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته؛ عامل اصلی همه پدیده‌ها خداوند است. / طبیعت جلوه‌ای از محبت و کرم خداوند است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری؛ همه پدیده‌ها در خدمت انسان‌اند. / نکوهش غفلت

همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری؛ همه پدیده‌ها در خدمت انسان‌اند. / ضرورت غافل نشدن از یاد خداوند و سرکشی در برابر او / انسان اشرف مخلوقات است.

شَفِيعُ مَطَاعٍ نَبِيٌّ كَرِيمٌ / قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ (او شفاعت‌کننده، فرمان‌روا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است). ستایش پیامبر (ص) به صفات گوناگون

بَلَّغَ الْغُلَى بِكَمَالِهِ، كَنَفَتِ الدُّجَى بِجَمَالِهِ / حَسَنَتِ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلُّوا عَلَيْهِ وَ آله (به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد. همه خوی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید). ستایش پیامبر (ص) به صفات گوناگون

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتییان؟؛ نهراسیدن مؤمن از حوادث / پشتیبانی ممدوح مایه اطمینان خاطر / توکل

﴿يَا مَلَأْتَنِي قَدْ أَشْتَحَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ﴾ (ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد؛ پس آمرزیدمش). شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند

دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم؛ شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند

کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار؛ شرم خدا از پاسخ ندادن به دعای بنده گناه‌کار / بخشاینده‌گی بی‌دریغ خداوند

عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف که؛ ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ (تو را چنان که شایسته پرستش توست، پرستش نکردیم). عجز انسان از ستایش خداوند به‌طور شایسته

واصفانِ جلّیه جمالش به تحیر منسوب که؛ ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ (تو را چنان که سزاوار شناسایی توست، نشناختیم). عجز انسان از شناخت خداوند به‌طور شایسته

گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟؛ ناتوانی عاشق از وصف معشوق

عاشقان کشتگان معشوق‌اند / برنیاید ز کشتگان آواز؛ خاموشی و رازداری عاشقانه

گفت: به‌خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کتم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت؛ از خود بی‌خودی عاشق هنگام وصال

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد؛ پاک‌بازی، بردباری و رازداری عاشقانه

این مَدْعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد، خبری بازنیامد؛ پاک‌بازی، بردباری و رازداری عاشقانه

هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای؛ ناتوانی عاشق از وصف معشوق

## صفات خداوند

سؤالات مربوط به صفات خدا دو دسته‌اند. یک دسته، آن‌هایی که چند صفت خداوند را به‌طور کلی مورد سؤال قرار می‌دهند؛ مثلاً «رحمت» و «روزی‌رسانی» و «عیب‌پوشی» و «غیب‌دانی» را در صورت سؤال ذکر می‌کنند؛ در این حالت، گزینه‌ای که حتی به یکی از این صفات هم اشاره کند با صورت سؤال قرابت معنایی دارد. دسته دیگر، سؤالاتی هستند که هر کدام یک صفت خداوند را به‌طور مشخص مورد سؤال قرار می‌دهند؛ صفاتی مانند «عدم قطع روزی با وجود ارتکاب گناه»، «شرم خدا از گناه بنده»، «توصیف‌ناپذیری خدا»، «ناتوانی بنده از شکرگزاری خدا»، و این‌که «پشتیبانی خدا مایه آرامش خاطر است».

مفاهیم دسته دوم، بعد از این بخش، هر یک به‌طور مستقل بررسی می‌شوند. فعلاً سؤالات دسته اول را می‌بینی.

در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته  
می‌خورد بر خوان انعام تو نان خویشتن  
دمی چند خوردیم و گفتند بس  
در این سال‌ها کس نیاراست خوانی

۱) در ضیافت‌خانه خوان نوالش (= لقمه) منع نیست  
۲) پس تو را مَتَّ ز مهمان داشت باید بهر آنک  
۳) دریغاکه بر خوان الوان عمر  
۴) هماناکه بی‌نعمت او به‌گیتی

# آرایه‌های ادبی



موضوع: آرایه‌های ادبی

نوع: کاربردی

محتوا: ساختارهای مختلف آرایه‌ها و صور خیال

ریز موضوعات: آرایه‌های لفظی و معنوی

منبع مطالعه:

• آرایه‌های مورد اشاره در کارگاه متن‌پژوهی در قالب درس‌نامه یا پرسش

• آرایه‌های مورد سؤال که در کتاب درسی به آن‌ها اشاره نشده است؛ مانند ایهام تناسب

تنوع تیپ: ۴ گونه

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: متوسط

## تیپ‌شناسی سؤالات آرایه‌های ادبی

در سؤالات آرایه‌های ادبی با ۴ تیپ اصلی به این نام‌ها روبه‌رو می‌شوی: آرایه در گزیننه، آرایه در سؤال، برابر گزیننه و الفبایی

### نام تیپ:

### آرایه در گزیننه

ساختار: یک بیت در صورت سؤال می‌بینی و در هر گزیننه یک یا چند آرایه.

فراوانی: معمولاً ۳ یا ۴ آرایه در هر گزیننه

شگرد پاسخ‌گویی: رد گزیننه

(تجربی ۹۶)

نمونه: همه آرایه‌های کدام گزیننه، در بیت زیر وجود دارد؟

«ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ ننماید

۱ × ایهام - تلمیح - تضاد

۳ × تضاد - تلمیح - حس‌آمیزی

پاسخ: گزیننه (۴)

کنایه: ترش بودن کنایه از بدخلقی / تیزی کردن کنایه از تندخویی

حس‌آمیزی: ترش نشستن / تلخ بودن رفتار / شیرین سخن گفتن

ایهام‌تناسب: شور: ۱- هیجان (معنی درست) ۲- نوعی مزه (تناسب با ترش، تلخ و شیرین / معنی نادرست)

چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی»

۲ × ایهام‌تناسب - اغراق - حسن تعلیل

۴ × کنایه - حس‌آمیزی - ایهام‌تناسب

۲

### نام تیپ:

### آرایه در سؤال الف - تک‌آرایه

ساختار: یک آرایه در صورت سؤال می‌بینی و در هر گزیننه یک بیت.

فراوانی: یک آرایه

شگرد پاسخ‌گویی: رد گزیننه

(فارغ از کشور ۹۵)

نمونه: در همه ابیات زیر، آرایه «متناقض‌نما» (پارادوکس) وجود دارد؛ به جز .....

۱ × ز بندگی شما صد هزارم آزادی است

۲ × به روز افغانی و شب یاربی داشت

۳ × خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید

۴ × دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است

پاسخ: گزیننه (۲)

بررسی سایر گزیننه‌ها:

۱) توأم بودن بندگی و آزادی / توأم بودن سلطنت و گدایی

۳) زبان بودن بی‌زبانی

۴) این‌که دعوی هستی دلیل نیستی باشد / توأم بودن فانی بودن و موجود بودن

که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما

به یمن عشق خوش روز و شبی داشت

بی‌زبانی‌ها زبان عذرخواهی شد مرا

هرکه فانی می‌شود موجود می‌دانیم ما

### ب - چند آرایه

ساختار: چند آرایه در صورت سؤال می‌بینی و در هر گزیننه یک بیت.

فراوانی: دست کم ۲ آرایه در صورت سؤال

شگرد پاسخ‌گویی: رد گزیننه

(ریاضی ۹۶)

نمونه: در همه ابیات، آرایه‌های «ایهام و کنایه» هر دو، وجود دارند؛ به جز .....

۱ × من به بوی توام ای دوست هواخواه بهار

۲ × ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم

۳ × من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم

۴ × خیال شهسواری پخت و ناگه شد دل مسکین

پاسخ: گزیننه (۳)

بررسی سایر گزیننه‌ها:

ایهام: \_\_\_\_ / کنایه: طمع بریدن کنایه از ناامید شدن / عنان به کف کسی دادن کنایه از اختیار را به او واگذار کردن

۱) ایهام: بو: ۱- رایحه ۲- آرزو، امید / کنایه: هواخواه کسی بودن کنایه از موافق و طرفدار او بودن / بو به دماغ رسیدن کنایه از نشانه‌ای از چیزی را دریافت کردن

۲) ایهام: شیرین: ۱- معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه / کنایه: خون گریستن کنایه از گریستن بسیار

۴) ایهام: قلب: ۱- میانه سپاه ۲- دل / کنایه: خیال پختن کنایه از آرزوی چیزی را در ذهن پروراندن

کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد

که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد

که عنان دل شیدا به کف شیرین داد

خداوندان نگه دارش که بر قلب سواران زد

## مراعات نظیر (تناسب)

**معرفی:** رابطه‌ای است میان دو یا چند واژه از یک مجموعه. این ارتباط ممکن است یک ارتباط «معنایی» یا «کاربردی» باشد. واژه‌های متناسب، از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی یا موارد دیگر، متعلق به یک گروه‌اند.

### نکات مهم

۱ **مراعات و تناسب:** نام «مراعات‌نظیر» و «تناسب» هیچ تفاوتی با هم ندارند و هرچه جز این خوانده‌ای یا شنیده‌ای فراموش کن. مراعات و تناسب همیشه و همه‌جا به معنی هم‌دیگر به کار رفته‌اند و در آزمون‌ها تا دلت بخواهد نمونه دارند.

۲ **حداقل ۲ تا:** تعداد عناصر مرتبط برای اثبات آرایه مراعات، هیچ حداقلی ندارد. دو واژه هم کافی‌ست. به شرطی که واژه‌ها قابلیت تولید مراعات داشته باشند. این باور غلط رایج که مراعات باید حداقل بین سه واژه شکل گرفته باشد، با ماهیت مراعات منافات دارد.

۳ **حذف شاخ و برگ‌ها:** مراعات بین شکل خام واژه‌ها و در حقیقت، بین هویت و مفهوم و تصویر ذهنی از چند عنصر شکل می‌گیرد، نه در ساختار واژگانی و دستوری آن‌ها؛ بنابراین شاخ و برگ‌های اضافی چسبیده به عناصر مراعات‌ساز، مانند تکواژهای تصریفی - اعم از نشانه‌های جمع (ان، ات)، تر و ترین، ی نکره - همین‌طور، شکل مخفف (کوتاه شده) فعل اسنادی (ـم، ی، است، یم، ید، ـند) و نیز ضمایر متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان) اشکالی در تناسب عناصر با هم و شکل‌گیری مراعات نظیر ایجاد نمی‌کنند؛ حتی ساختمان واژه، یعنی ساده، مشتق، مرکب یا مشتق - مرکب بودن هم، مهم نیست. با این نگاه، در واژه‌های مرکب «گل‌رخ» و «لاله‌روی»، عناصر «گل و لاله» و «رخ و روی» را متناسب می‌دانیم. همین‌طور در «دیوچهر» و «پریوش»، «دیو و پری» را.

### نمونه‌ها

پای را بازگیر از سرم ای دوست! که دست	گر به هیچم نرسد خود به دعایی برسد
پای، سر، دست: مجموعه اندام انسان	
چه شب است یارب امشب که ستاره‌ای برآمد	که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم
ستاره، خورشید، ماه: مجموعه اجرام آسمانی	
سکه شاه و نقش سکه یکی‌ست	عدد از درهم است و از دینار
سکه، درهم، دینار: مجموعه امور مالی	
دل خود بازده دل را به خویش آر	قلم گیر و دوات و نامه پیش آر
قلم، دوات، نامه: مجموعه ابزار نگارش	
از سرم تا نگذرد می‌کم نگردد رعشه‌ام	هم‌چو ماهی در میان آب خوابم می‌برد
ماهی، آب: مجموعه دریایی‌ها	
از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه	زیر پی پیش بین شهامت شده نعمان
اسب، پیاده، نطع، رخ، پیل، شهامت: مجموعه اصطلاحات شطرنج <sup>۱</sup>	
از جام عافیت می نابی نخورده‌ام	وز شاخ آرزو گل عیشی نچیده‌ام
جام، می: مجموعه می‌گساری / شاخ، گل: مجموعه گیاهان	
کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق	بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی
لنگر، کشتی، طوفان: مجموعه دریایی‌ها	
برو طواف دلی کن که کعبه مخفی‌ست	که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت
طواف، کعبه، خلیل، خدا: مجموعه اصطلاحات مذهبی	
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد	چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
ارغوان، سمن، نرگس، شقایق: مجموعه گیاهان	
دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زد	نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زد
سیل، اشک، آب: مجموعه آبکی‌ها!	

۱- پیاده: مهره سرباز / نطع: این‌جا به معنی صفحه شطرنج / رخ: مهره قلعه / پیل: مهره فیل / شهامت: معادل اصطلاح امروزی «مات»



از خودآریان نمی‌باید بصیرت چشم داشت	عیب پیش پا نیاید در نظر طاووس را
بصیرت، چشم، نظر: مجموعه نگریستن / چشم، پا: مجموعه اندام انسان	
از دل خویش اگر زنگ غرض دور کنی	هرچه زشت است در این آینه زیبا بینی
زنگ، آینه: مجموعه اصطلاحات مربوط به آینه	
جهان گشاده تنای تو را چو تیر، دهان	زمانه بسته رضای تو را چو نیزه، کمر
جهان، زمانه: مجموعه قضا و قدر / تیر، نیزه: مجموعه جنگ‌افزار / دهان، کمر: مجموعه اندام انسان	
نرگست در طاق ابرو از چه خفتند بی‌خبر؟	ز آن‌که جای خواب مستان گوشه محراب نیست
طاق، محراب: مجموعه سازه‌های مذهبی	
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
ابر، باد، مه، خورشید، فلک: مجموعه عناصر طبیعی	
مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده	ابروت زده بر سر خورشید کمان را
مژگان، رخ، ابرو: مجموعه اندام انسان / خنجر، کمان: مجموعه جنگ‌افزار / ماه، خورشید: مجموعه اجرام آسمانی	
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
مزرع، داس، کشته، درو: مجموعه کشاورزی / فلک، مه: مجموعه آسمانی‌ها	
در گوهر جان بنگر اندر صدف این تن	کز دست گران‌جانی انگشت همی‌ساید
گوهر، صدف: مجموعه دریایی‌ها / جان، تن: مجموعه ابعاد وجودی انسان / دست، انگشت: مجموعه اندام انسان	
چون جغد بود اصلش کی صورت باز آید؟	چون سیر خورد مردم کی بوی پیاز آید؟
جغد، باز: مجموعه پرندگان / اصل، صورت: مجموعه ابعاد وجودی انسان / سیر، پیاز: مجموعه سبزیجات	
دردا که از آن آهوی مشکین سیه‌چشم	چون نافه بسی خون دلم در جگر افتاد
آهو، مشکین، نافه: مجموعه عناصر مربوط به آهو / چشم، دل، جگر: مجموعه اندام انسان	

## تمرین

در کدام گزینه آرایه «مراعات نظیر» وجود ندارد؟

بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر  
 هزاران بوسه بر دستش همی‌داد  
 ز بیمش گویی اندر چاه باشم  
 مرا دیدار او کام است و امید

۱) بتان چین و ترک و روم و بربر  
 ۲) به دست و پای مادر اندر افتاد  
 ۳) هر آن گاهی که بر درگاه باشم  
 ۴) مرا رخسار او ماه است و خورشید

## روش حل تست

(مرور ذهنی: مراعات یعنی تناسب بین کلمه‌ها)

## مراحل کار:

- ۱ استخراج واژه‌های مظنون به مراعات: در این مرحله، برای هر «واژه مظنون به مراعات» چند واژه متناسب را به‌طور کلی و نه لزوماً باتوجه به بیت، در یک کمانک (پرانتر) روبه‌روی آن نوشته‌ایم.
- ۲ حذف واژه‌های مستعد بیکار: حذف کلماتی که بالقوه استعداد و قابلیت مراعات دارند، اما در بیت حاضر کلمه متناسبی برای آن‌ها پیدا نمی‌شود، در نتیجه استعداد آن‌ها بی‌استفاده مانده است.
- ۳ دسته‌بندی و انتخاب پاسخ: دسته‌بندی، به ویژه به درد سؤالاتی می‌خورد که تعداد مجموعه‌های متناسب پرسیده می‌شود.

## بررسی گزینه‌ها، مرحله به مرحله:

۱) بتان چین و ترک و روم و بربر      بنفشه زلف و گل‌روی و سمن‌بر

- ۱ واژه‌های مظنون (به ترتیب، هر کدام مستعد مراعات با واژه‌های داخل کمانک): بتان (بتخانه، صنم، هندو) / چین (هند، روم) / ترک (شام، چین) / روم (هند، چین) / بربر (ترک) / بنفشه (سمن، نرگس) / زلف (روی، چشم) / گل (بنفشه، سمن) / روی (دست، ساق) / سمن (بنفشه، نرگس) / بر (زلف، رو) (می‌دانیم حروف اضافه و ربط و چیزی تناسب ندارند؛ پس نمی‌توانند مراعات‌نظیر تولید کنند).
- ۲ حذف واژه‌های مستعد بیکار: حذف «بت» (مستعد مراعات با «صنم و هندو و ...»، اما در بیت حاضر، بی‌تناسب) به‌علاوه، شاخ و برگ‌های اضافی مثلاً نشانه جمع «ان» در «بتان» را حذف می‌کنیم. این هم مهم نیست که مصراع دوم از کلمات «مرگب» تشکیل شده. اجزای آن‌ها را جدا می‌کنیم. می‌ماند: چین / ترک / روم / بربر / بنفشه / زلف / گل / روی / سمن / بر

## فهرست واژه‌های ایهام‌ساز

در جدول، فهرستی از مهم‌ترین واژه‌های ایهام‌ساز را می‌بینی. معنی این نام‌گذاری این است که واژه‌های این فهرست، «قابلیت و توان تولید آرایه ایهام» را دارند، نه این‌که صرف حضور این واژه‌ها در بیت، به خودی خود ایهام ایجاد کند.

همیشه به دو نکته توجه کن:

- ۱- هرگز به حفظ کردن «واژه‌های ایهام‌ساز» بسنده نکن! تکرار می‌کنیم که صرف مطرح شدن این واژه‌ها در بیت منجر به پدید آمدن آرایه ایهام نمی‌شود، بلکه باید واژه در موقعیتی قرار بگیرد که دو معنی مختلف خود را نشان بدهد. این واژه‌ها هم‌چنین در ساخت آرایه‌های جناس تام و ایهام‌تناسب کاربرد دارند.
- ۲- این فهرست به هیچ عنوان فهرست جامعی از همه واژگان ایهام‌دار زبان فارسی نیست. این فهرست تنها در بردارنده مهم‌ترین لغاتی است که در آزمون‌های سراسری به‌عنوان واژگان ایهام‌ساز مطرح شده‌اند. پس آن‌ها را حفظ نکن! یاد بگیر!

آهو	۱- غزال ۲- عیب	دارا	۱- داریوش پادشاه ایرانی ۲- ثروتمند
آیت	۱- نشانه ۲- آیه قرآن	درگرفتن	۱- سوزاندن ۲- اثر کردن
اسب	۱- اسب ۲- مهرهای در شطرنج	دستان	۱- لقب زال ۲- دست‌ها ۳- حیل ۴- سرود و نغمه ۵- حکایت
افتاده	۱- بر زمین افتاده ۲- متواضع و فروتن	دل‌سیه	۱- سنگدل، بی‌رحم ۲- آن‌چه درونش سیاه‌رنگ است.
بادیه‌پیم	۱- صحرانورد ۲- شراب‌نوش	دور از تو	۱- در هجران و دوری از تو ۲- از تو دور باشد.
بار	۱- مرتبه ۲- محموله ۳- اجازه حضور	دوراندیش	۱- آینده‌نگر ۲- کسی که به جدایی فکر می‌کند.
باز	۱- پرنده‌ای شکاری ۲- دوباره ۳- گشاده، وا	دورباش	۱- نوعی نیزه، برای دور کردن مردم از سر راه پادشاه ۲- فعل امر به معنی «کنار برو»
بازی	۱- مشغله و سرگرمی ۲- مانند «باز» (پرنده شکاری) رفتار کردن	دوش	۱- دیشب ۲- کتف
برآمدن	۱- طلوع کردن ۲- ممکن شدن	دیوان	۱- دفتر شعر ۲- دیوها، شیاطین
بو	۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو، امید	راح	۱- شادمانی ۲- شراب
بوستان	۱- اثری از سعدی شیرازی ۲- باغ	راست	۱- سمت راست ۲- درست
به	۱- بهتر ۲- میوه به	رخ	۱- چهره و روی ۲- مهره «قلعه» در شطرنج
پر و بال نو دادن	۱- پر و بال تازه دادن ۲- بار دیگر پروراندن	روان	۱- جاری ۲- روح، جان
پرده	۱- اصطلاح موسیقایی ۲- پوشش	رود	۱- رودخانه ۲- از ابزار موسیقی
پروانه	۱- اجازه، مجوز، ۲- نوعی حشره	روی	۱- متضاد زیر ۲- چهره ۳- نوعی فلز
پست	۱- پایین، کم ارتفاع ۲- ذلیل و فرومایه	زال	۱- پیرزن ۲- سرخ‌روی سپیدموی ۳- نام پدر رستم
پیاده	۱- متضاد سواره ۲- مهره «سرباز» در شطرنج	سرگرم	۱- مشغول ۲- مست
پیل	۱- فیل ۲- مهره «فیل» در شطرنج	سعی	۱- تلاش ۲- دیدن بین صفا و مروه در مناسک حج
تاب	۱- طاقت، تحمل ۲- پیچ و خم و شکن	سو	۱- سمت و جهت ۲- نور و روشنایی
تار	۱- تاریک ۲- هر رشته مو ۳- از ابزار موسیقی	سودا	۱- خیال، عشق ۲- داد و ستد
تفسیر	۱- شرح و بیان ۲- تفسیر قرآن	شانه	۱- کتف ۲- ابزار آراستن مو
تنگ	۱- متضاد فراخ ۲- یک لنگه از بار	شکر	۱- ماده شیرین خوراکی ۲- معشوق خسروپرویز
چپ	۱- سمت چپ ۲- دوبین، کژبین	شمس	۱- خورشید ۲- شمس تبریزی
چنگ	۱- از ابزار موسیقی ۲- سرپنجه	شور	۱- هیجان، هیاهو ۲- نوعی مزه
چین	۱- پیچ و تاب و شکن ۲- نام کشوری در آسیای شرقی	شهریار	۱- پادشاه ۲- تخلص محمدحسین بهجت
حد	۱- مجازات شرعی ۲- اندازه	شیرین	۱- معشوقه خسرو و معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه
حدیقه	۱- اثری از سنایی ۲- باغ	صفا	۱- خلوص و پاکیزگی ۲- مکان بلندی در مکه
حلاج	۱- پنبه‌زن ۲- شهرت حسین بن منصور	عود	۱- نوعی ابزار موسیقی ۲- چوب سوختنی خوشبو
خسرو	۱- پادشاه ۲- خسروپرویز	عهد	۱- روزگار، دوران ۲- پیمان
خلیل	۱- لقب حضرت ابراهیم (ع) ۲- دوست	عین	۱- چشمه ۲- چشم ۳- مانند
خویش	۱- خود ۲- وابستگی	قابل	۱- قبول‌کننده، پذیرنده ۲- لایق، سزاوار
دار	۱- ابزار کشتن مجرمان ۲- درخت	قامت	۱- آماده نماز شدن (با فعل بستن) ۲- قد

# تاریخ ادبیات



موضوع: تاریخ ادبیات

نوع: حفظی

محتوا: تاریخچه مؤلفان، آثار و ویژگی‌های ادبی آن‌ها

ریز موضوعات: شاعران و نویسندگان، کتاب‌ها، اطلاعات مهم مربوط به اثر و پدیدآورنده

منبع مطالعه:

یادداشت‌های تاریخ ادبیاتی کتاب درسی

تنوع تیپ: ۶ گونه

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: متوسط

در سؤالات تاریخ ادبیات با ۵ تیپ اصلی به این نام‌ها روبه‌رو می‌شوی: اثر به ترتیب، مؤلف به ترتیب، کمانکی، اثر در شعر، ویژگی اثر یا مؤلف

نام تیپ:

اثر به ترتیب

ساختار: نام چند اثر را در صورت سؤال می‌بینی و نویسنده‌های پیشنهادی را به ترتیب در گزینه‌ها

ویژگی: توجه طراح به غلط‌اندازها

فراوانی: در هر سؤال معمولاً نام سراینده یا نویسنده ۴ کتاب پرسیده می‌شود.

شگرد پاسخ‌گویی: ردگزینه

(ریاضی ۹۷)

نمونه: هر یک از آثار زیر، متعلق به چه کسی است؟

«ترجمه ذن چیست؟ - ترجمه تاریخ طبری - ترجمه قمارباز»

✓ (۱) ع. پاشایی - ابوعلی بلعمی - جلال آل احمد

✗ (۳) پرویز داریوش - ابوعلی بلعمی - داستایوسکی

✗ (۲) جلال آل احمد - محمد بن جریر طبری - بزرگ علوی

✗ (۴) علی شریعتی - محمد بن جریر طبری - صادق هدایت

نام تیپ:

مؤلف به ترتیب

ساختار: نام چند نویسنده را در صورت سؤال می‌بینی و آثار پیشنهادی را به ترتیب در گزینه‌ها

ویژگی: توجه طراح به نویسندگانی با تعداد آثار زیاد

فراوانی: در هر سؤال معمولاً نام ۴ مؤلف دیده می‌شود.

شگرد پاسخ‌گویی: ردگزینه

(انسانی ۹۷)

نمونه: هر یک از شخصیت‌های ادبی زیر، خالق کدام اثر است؟

«ابتهاج - شفیعی کدکنی - اسلامی ندوشن»

✓ (۱) سراب - از زبان برگ - جام جهان بین

✗ (۳) سیاه‌مشق - ارغنون - آواها و ایماها

✗ (۲) دیدار صبح - موسیقی شعر - روزها

✗ (۴) نخستین نغمه‌ها - شب‌خوانی - آتش خاموش

نام تیپ:

کمانکی

ساختار: مؤلف پیشنهادی برای هر اثر در یک کمانک (پرانتز) روبه‌روی آن نوشته می‌شود. شکل اصلی این تیپ بر اساس کمانک نام‌گذاری شده

است؛ گرچه امروز معمولاً نام نویسنده و اثر، از نام نویسنده و اثر بعدی، با یک خط موزب جدا می‌شود.

ویژگی: توجه طراح به غلط‌اندازها

فراوانی: در هر سؤال به‌طور میانگین نام مؤلفان ۸ اثر پرسیده می‌شود.

شگرد پاسخ‌گویی: حذف مؤلفان درست یا نادرست - بسته به این‌که در صورت سؤال کدام پرسیده شده - و شمارش سایرین

(ریاضی ۹۱)

نمونه: انتساب چند اثر به نویسنده یا سراینده آن درست نیست؟

«مرثیه‌ای که ناسروده ماند: پرویز خرسند / سه پرسش: لئون تولستوی / کشف‌الاسرار: رشیدالدین میبیدی / لطایف‌الطوایف: مجد خوافی / زاد‌المسافرین:

ناصر خسرو / مسئولیت شیعه بودن: دکتر شهیدی / در کوچه آفتاب: سلمان هراتی / از گلی کوچک رود: مصطفی علی پور / گنجشک و جبرئیل: قیصر امین پور»

✓ (۱) چهار

✗ (۲) دو

✗ (۳) سه

✗ (۴) پنج

نام تیپ:

اثر در شعر

ساختار: از تیپ‌های فانتزی‌ست و بیشتر به تست هوش شبیه است تا سؤال ادبیات! هر گزینه شامل یک بیت است. در یک یا چند گزینه، واژه‌ای

وجود دارد شبیه به نام یکی از آثاری که در کتاب درسی دیده‌ای. نام مؤلفش هم که در صورت سؤال آمده، برای تشخیص جواب کافی نیست؟

ویژگی: توجه ویژه به آثار شاعران و نویسندگان معاصر. توجه طراح به «ترجمه» کتاب‌ها

فراوانی: معمولاً نام ۱ اثر مورد سؤال است.

شگرد پاسخ‌گویی: توجه به همه واژه‌ها در هر ۴ بیت

(فارغ از کشور ۸۸)

نمونه: کلمات کدام بیت یادآور عنوان فارسی زندگی‌نامه «دکتر طه حسین»، پژوهشگر و ادیب معاصر مصری است؟

✗ (۱) روزها فکر من این است و همه شب سخنم

✗ (۲) که گر بانو بفرماید به شبگیر

✗ (۳) سماع ارغنونی گوش می‌کرد

✓ (۴) ز ما یادش دهی گه‌گاه ای باد

گذشت آن روزها کاو یاد ما بود

شراب ارغوانی نوش می‌کرد

پی شیرین برانیم اسب چون تیر

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

## درسنامه دوازدهم

درس ۱	کلیله و دمنه: ترجمه نصرالله منشی	گلستان (منثور): سعدی
درس ۲	مناظره (سؤال و جواب): این که شاعر موضوعی را در شعر به صورت پرسش و پاسخ بیان کند، و تمام شعر مبتنی بر پرسش و پاسخ یا گفت‌وگو باشد.	
درس ۳	روایت سنگسازان ۲: عیسی سلمانی لطف آبادی	این چند نکته را هم درباره غزل‌های اجتماعی به‌خاطر بسپار: ۱- محتوای این‌گونه غزل ما بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است. ۲- این نوع در دوره مشروطه رواج یافت. ۳- شاعران مهم این نوع: محمدتقی بهار، عارف قزوینی، قزوینی یزدی
درس ۵	قصه شیرین فرهاد (منثور): احمد عربلو	دماوندیه: محمدتقی بهار (در سال ۱۳۰۱ این شعر را سرود، با تأثیرپذیری از هرج‌ومرج قلمی و اجتماعی و هتاک‌ها در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت که در اثر تحریک بیگانگان بروز کرده بود).
درس ۶	فیه ما فیه (منثور): مولوی	مثنوی معنوی (منظوم): مولوی
درس ۷	تمهیدات (منثور): عین‌القضات	مثل درخت در شب باران: محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)
	فی حقیقة‌العشق (منثور): شهاب‌الدین سهروردی	
درس ۸	تذکره‌الاولیا (منثور): عطار	از پاریز تا پاریس (منثور): محمدابراهیم باستانی پاریزی
درس ۹	کویر (منثور): علی شریعتی	بخارای من ایل من (منثور): محمد بهمن‌بیگی
	تفاوت سفرنامه و حسب حال: حسب حال یادداشت‌های نویسنده درباره اتفاقات گوناگون زندگی خود است.	
درس ۱۰	تیرانا (منثور): مهرداد اوستا (محمدرضا رحمانی)	دری به خانه خورشید (منظوم): سلمان هراتی
درس ۱۱	سانتا ماریا (منثور): سید مهدی شجاعی	
درس ۱۲	شاهنامه: فردوسی	گلستان (منثور): سعدی شیرازی
درس ۱۳	در حیاط کوچک پاییز در زندان: اخوان ثالث (شعر «خوان هشتم» در این مجموعه آمده).	
درس ۱۴	منطق‌الطیر (منظوم): عطار نیشابوری	سندبادنامه (منثور): ظهیری سمرقندی
درس ۱۶	کباب غاز: محمدعلی جمال‌زاده	ارمیا (منثور): رضا امیر خانی
درس ۱۷	هوا را از من بگیر خنده ات را نه: پابلو نرودا	
درس ۱۸	غزلواره‌ها: شکسپیر	قصه‌های دوشنبه (ترجمه عبدالحسین زرّین‌کوب): آلفونس دوده

### سؤالات تاریخ ادبیات ترکیبی سال‌های دهم، یازدهم و دوازدهم

با توجه به اینکه اطلاعات ناچیز تاریخ ادبیات یک درس - مثلاً نام یکی دو مؤلف و یک اثر از هر کدام - قابلیت طرح پرسش‌های جدی و ارزشمند را ندارد، تاریخ ادبیات هر سه کتاب دهم، یازدهم و دوازدهم به صورت ترکیبی مورد سؤال قرار گرفته‌اند. این پرسش‌های ترکیبی براساس «تیپ» و به این ترتیب آمده‌اند: اثر به ترتیب، مؤلف به ترتیب، کمانکی، اثر در شعر، ویژگی اثر

ساختار: اثر در سؤال، مؤلف در گزینه	اثر به ترتیب
ویژگی: توجه طراح به غلط‌اندازها	
فراوانی: در هر سؤال معمولاً نام ۴ سراینده یا نویسنده پرسیده می‌شود.	
شگرد پاسخ‌گویی: ردگزینه	

اثر به ترتیب: اسم کتابا رو توی صورت سؤال می‌بینی و مؤلفا رو به ترتیب توی گزینه‌ها!

این تیپ - به نسبت - از بقیه تیپا ساده‌تره! فقط هواسِت به شباهت اسم شاعرا و نویسنده‌ها باشه! در ضمن، فوندرن پاسخ تشریفی یادت نره!

۲۰۹۴- در کدام گزینه به پدیدآورندگان آثار «اتاق آبی - اخلاق محسنی - ارزیابی شتاب‌زده - ارمیا» اشاره شده است؟

- سهراب سپهری - نجم رازی - جلال آل‌احمد - رضا امیرخانی
- سهراب سپهری - حسین واعظ کاشفی - جلال آل‌احمد - رضا امیرخانی
- مهرداد اوستا - حسین واعظ کاشفی - محمد بهمن‌بیگی - عبدالحسین وجدانی
- مهرداد اوستا - فخرالدین علی صفی - محمد بهمن‌بیگی - رضا امیرخانی

# زبان فارسی



موضوع: زبان فارسی

نوع: مفهومی - کاربردی

محتوا: مفهوم «زبان» و ساختارهای زبان فارسی

ریز موضوعات: زبان‌شناسی، دستور زبان

منبع مطالعه:

• نکات مربوط به مباحث زبان‌شناسی و دستور زبان

در بخش قلمرو زبانی از کارگاه متن‌پژوهی

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: بسیار ضعیف

# راهنمای زبان فارسی

## • یادداشت:

به این عناوین دقت کن:

- واحدهای زبان (شمارش واژه‌ها)
- اجزای جمله (نقش‌های اصلی در جمله)
- گروه اسمی (هسته، وابسته، وابسته وابسته، ترکیب‌های وصفی و اضافی)
- ساختمان واژه (ساده، وندی، مرکب، وندی - مرکب)
- موضوعات فرعی

این‌ها پنج عنوان بسیار مهم از مباحث زبان فارسی هستند که به‌ویژه در سال‌های اخیر موضوع سؤالات آزمون‌های سراسری بوده‌اند و از بسیاری از درس‌های دیگر، مانند درس‌های مربوط به مباحث نگارش، هیچ ردّپایی در کنکور سراسری نیست؛ به هر حال، این مباحث از دید طراحان، مهم‌ترین‌ها هستند و کلّ سهمیه سؤالات زبان فارسی را هم تا به حال در اختیار داشته‌اند؛ با این وجود، هرگز به بهانه غیبت چندساله یک موضوع از آزمون‌ها، از مطالعه آن غافل نشو. هرگز تصوّر نکن درس‌هایی که سال‌هاست در «زبان فارسی» کنکور از قلم افتاده‌اند، مجبورند امسال هم بیفتند! آن‌ها را به دقت بخوان. کنکور ما شگفتی‌سازتر از این حرف‌هاست!

## • منبع مطالعه:

**قلمرو زبانی:** در بخش قلمرو زبانی، مباحثی مربوط به زبان‌شناسی و دستور زبان مطرح شده که همگی زیرمجموعه موضوع «زبان فارسی» هستند.

تلخ یا شیرین، باید اعتراف کرد که «زبان فارسی» مبحثی‌ست که صرفاً با تکیه بر کتاب درسی، به هیچ عنوان قابل یادگیری نیست؛ به‌ویژه که نمونه‌های کنکوری پرسش‌های زبان فارسی حاوی پیچیدگی‌هایی‌ست که کتاب درسی به هیچ وجه داوطلب را برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها آماده نمی‌کند؛ بنابراین «یک معلّم شاداب» و «یک درس‌نامه مطمئن» برای یادگیری زبان فارسی ضروری‌ست.

## • روش مطالعه:

موضوعات مبحث زبان فارسی شامل دو دسته کلی موضوعات «حفظی» و «کاربردی»‌ست.

### ۱- حفظی‌ها:

از مباحث «حفظی» زبان فارسی در کتاب‌های درسی جدید چیز قابل ذکری به جا نمانده است.

### ۲- کاربردی‌ها:

- زبان‌شناسی: واحدهای زبان، نظام معنایی زبان
- دستور زبان: اجزای جمله، گروه اسمی، ساختمان واژه



**توضیح:** بحث شناسایی و شمارش «تکواژ» در کتاب درسی به صورت مستقیم مورد سؤال قرار نگرفته، اما پیش نیاز یاد گرفتن مباحثی مانند «ساختمان واژه» است؛ به همین دلیل، در این بخش، درس نامه ای مختصر به همراه سؤالات مربوط به این موضوع را آورده ایم.

«تکواژ» کوچک ترین «واحد معنی دار» یا «دستوری» زبان است و دو گونه دارد:

**تکواژ آزاد:** آزادانه به کار می رود؛ یعنی متعلق به هیچ جزء دیگری نیست: عشق، امید، راه، از، —

**تکواژ وابسته:** آزادانه به کار نمی رود؛ بلکه همواره متعلق به تکواژ دیگری است: بان، ها، ـش، ه، ها، ترین

تکواژهای آزاد و وابسته، هر کدام دو گونه دارند:

آزاد	قاموسی (فرهنگ لغتی): علاوه بر کاربرد آزاد، معنی آزاد و مستقّلی هم دارد: ابر، نان، کتاب، دان (بن مضارع از «دانستن»)
	دستوری: تنها کاربرد آزاد دارد، اما معنی آزاد و مستقل ندارد، بلکه مفهومی در جمله مشخص می شود: از، در، راه، به، برای، بدون، نقش نمای اضافه (ـ)
وابسته	صرفی (تصریفی): وضعیت واژه (معنی یا نوع دستوری آن) را تغییر نمی دهد، بلکه آن را در محدوده ای نزدیک به معنی خودش «صرف» می کند: نشانه های جمع (ها، ان، ات، ین، ون)، نشانه های صفت تفضیلی و عالی (تر و ترین)، نشانه نکره، همه اضافات فعل (شناسه ها، «ه» صفت مفعولی، «ان» گذراساز، «می» استمراری، «ب» امر، «ن» و «م» نهی و نفی)
	اشتقاقی: غالباً معنی واژه یا نوع دستوری واژه (اسم، صفت، بن فعل بودن) را تغییر می دهد و واژه جدیدی می سازد: «بان» در «باغبان»، «ـش» در «کوشش»، «ا» در «توانا»

#### پایه، وند

در ساختمان هر کلمه به تکواژ آزاد، «پایه» و به تکواژ وابسته، «وند» گفته می شود. وندها از این نظر که پیش از تکواژ پایه یا پس از آن، یا در میان دو تکواژ پایه قرار گرفته باشند، به ترتیب «پیشوند»، «پسوند» و «میان وند» نامیده می شوند. برای تشخیص و تفکیک تکواژها، باید وندهای فعال و زایا - دست کم مهم ترین آن ها - را بشناسی. معرفی و نمونه های مهم ترین پیشوندها، پسوندها و میان وندها را - به اندازه مورد نیاز برای آزمون - در ادامه می بینی.

پیشوندها				
پیشوند	الگوی ساخت	نمونه	تکواژ نویسی	نمونه های بیشتر
با	با + اسم ← صفت	بادب	با + ادب	بالاستعداد، باایمان، باسواد، بانشاط
بی	بی + اسم ← صفت	بی سواد	بی + سواد	بی درد، بی علاقه، بی استعداد
نا	نا + صفت ← اسم	نامعلوم	نا + معلوم	نادرست، نامناسب، نامنظم
	نا + اسم ← صفت	ناباب	نا + باب	ناکام، ناشکر، ناسپاس، نافرمان
	نا + بن فعل ← صفت	ناشناس	نا + شناس	نادار، نارس، نایاب، ناتوان
نـ	نـ + بن فعل ← صفت	نشکن	نـ + شکن	نسوز، نجسب
پـ	پـ + بن فعل ← صفت	پزن	پـ + زن	برو (ماشین برو)، پپا (آدم پپا)
	پـ + اسم ← صفت	پخرزد	پـ + خرد	بنام (دانشمند بنام)
هم	هم + اسم ← صفت	هم درس	هم + درس	هم وطن، هم خانه، هم خانواده، هم عقیده

آینده	اول	خواهم رفت	خواه + م + رفت	خواهیم رفت	خواه + یم + رفت
فعل کمکی (خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند) + بن ماضی	دوم	خواهی رفت	خواه + ی + رفت	خواهید رفت	خواه + ید + رفت
	سوم	خواهید رفت	خواه + د + رفت	خواهند رفت	خواه + ند + رفت
امر	دوم	برو	ب + رو + Ø	بروید	ب + رو + ید
نهی	دوم	نرو	ن + رو + Ø	نروید	ن + رو + ید

## فعل‌های گذرا شده

زمان‌های فعل	الگوی ساخت	تبدیل ناگذر به گذرا	تکواژشماری
ماضی	بن مضارع + اند (انید) + شناسه‌های ماضی	کشید ← کشاند	کش + اند + Ø
مضارع	بن مضارع + اند + شناسه‌های مضارع	می‌کشم ← می‌کشانم	می + کش + اند + م
آینده	فعل کمکی آینده + بن مضارع + اند (انید) + شناسه‌های ماضی	خواهی کشید ← خواهی کشاند	خواه + ی + کش + اند + Ø

## فعل مجهول

نمونه					الگوی ساخت
جمع		مفرد		شمار شخص	
تکواژها	فعل	تکواژها	فعل		
کشت + ه + شد + یم	کشته شدیم	کشت + ه + شد + م	کشته شدم <sup>۱</sup>		
کشت + ه + شد + ید	کشته شدید	کشت + ه + شد + ی	کشته شدی	اول	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + فعل کمکی (شدم، شدی، شد، شدیم، شدید، شدند)
کشت + ه + شد + ند	کشته شدند	کشت + ه + شد + Ø	کشته شد	دوم	
				سوم	

## شمارش تکواژ

اول، یواش‌یواش و به‌رازد شروع می‌کنیم تا نفهمی چه اتفاقی قراره بیفته! فعلاً فقط تکواژا رو باید بشماریم، اونم فارغ از جمله.

راستش می‌فواستیم راهنمایی کنیم، دیریم تو تستای تکواژ کار از راهنمایی گذشته باز گفتیم ضرر نداره. بهتر از هیپی‌یه. پس خوب گوش بده. قدم به قدم پیش برو. تست رو با دقت مل کن. سعی کردیم تست رو به پوری پشت هم بپیمیم که آله دونه دونه جلو بری و بعد از هر تست پاسخ تشریفی رو بقونی، مشکلات توی شمردن تکواژ مل شه!

اول توی واژه‌ها و بعد هم ترکیب!

(تمرین ۹۶)

۲۱۴۱- در کدام گزینه، تعداد «تکواژ»های همه واژه‌ها، یکسان است؟

- (۱) آزادانه - هزار تومانی - هر ساله  
(۳) نشانه‌شناسی - ناسزاگویی - دانشجویی

(زبان ۹۴)

۲۱۴۲- در کدام گزینه تعداد «تکواژ»های همه واژه‌ها، با یکدیگر برابر است؟

- (۱) غزلواره - چوبینه - زیبایی  
(۳) کام‌روایی - سپیده‌دمان - وابستگی

۲۱۴۳- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) ارزش - افسونگر - اندیشه  
(۲) اولین - اهمّیت - آبشار

۲۱۴۴- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) بالنده - برتر - بنفشه  
(۲) پذیرا - پرنده - پهنا

۲۱۴۵- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دریافتن - دست به دست - دست به عصا  
(۳) دل‌نشینی - دوبیتی - دوشادوش

- (۲) دست‌یابی - دگرگونی - دلاوری

- (۴) دیدگان - باده‌گسار - رنگ به رنگ

۱- معمولاً آدم وقتی کشته می‌شود، دیگر «نیست» تا برای بقیه تعریف کند که «کشته شدم»!! یا وقتی بقیه را می‌کشد، دیگر بقیه «نیستند» تا آدم به آن‌ها بگوید «کشته شدید»! فعل مجهول معمولاً در همه صیغه‌های خود کاربرد ندارد. فقط برای یادگیری شیوه ساخت، همه صیغه‌ها را مثال زدیم.

۲۱۴۶- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) روانکاو - روبه‌رو - رویگری  
(۳) زندگی‌نامه - زیبایی - ساختاری

۲۱۴۷- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سپیده‌دم - سراپا - سراسر  
(۳) سهل‌انگاری - شامگاهان - دهاتی‌ها

۲۱۴۸- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) جاویدان - جایگاه - دوران  
(۲) جسمانی - جشنواره - جلوه‌گاه

۲۱۴۹- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) خواهش - دانا - درازا  
(۲) دوستانه - دیرین - ربانی

۲۱۵۰- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) زَرنه - زمینه - دهه  
(۲) زندگی - سایه - ژرف‌نگر

۲۱۵۱- تعداد «تکواژ»ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سرزمین - سروده - سفرنامه  
(۲) شایسته - بسیار - شرمگین

۲۱۵۲- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) عرفانی - غزلواره - غنایی  
(۲) فراخوان - آینه - فروزش

۲۱۵۳- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) گزارش - گفتار - گنجینه  
(۲) گوارش - گیرنده - لبریز

۲۱۵۴- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) مسئولیت - نارسا - ناگوار  
(۲) نامواره - نشانه - نفسانی

۲۱۵۵- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) اثرپذیری - ادبیات - ارزشمند  
(۲) اصلی‌ترین - برجسته - آزاداندیشی

۲۱۵۶- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) خدانشناس - بهره‌گیری - بهره‌وری  
(۳) پابرجا - شخصیت - پایداری

۲۱۵۷- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) پویایی - پیشگیری - پیوستگی  
(۳) تقسیم‌بندی - تکاپو - تلخ‌کامی

۲۱۵۸- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) جزئیات - جهان‌بینی - حنابندان  
(۳) ماهواره - خیال‌انگیزی - دانستنی

۲۱۵۹- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) وابستگی - عامیانه - عبرت‌انگیزترین  
(۳) قدم به قدم - کام‌یابی - کنجکاو

۲۱۶۰- تعداد «تکواژ»ها در همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) بازگردانی - بازماندگان - دامنه‌دارترین  
(۳) گوناگونی - گونه‌گونی - نازیبایی

۲۱۶۱- در همه گزینه‌ها تعداد «تکواژ»های همه واژه‌ها، با یکدیگر یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) تجربه‌شده - خوردنی - رسایی  
(۳) جایگاه - رها - فراگیر

۲۱۶۲- در همه گزینه‌ها تعداد «تکواژ»های همه واژه‌ها، با یکدیگر یکسان است؛ به‌جز .....

- (۱) گوناگون - لابه‌لا - لبالب  
(۳) آمیزه - چشمگیر - پیشرفت

- (۲) رهایی - زبان‌شناسی - زبان‌نظم  
(۴) آسفالت‌نشین - سبک‌شناسی - سپاهیان

- (۲) سرایندگان - سرچشمه - سوختگان  
(۴) شایستگی - شکوفایی - شورش

- (۳) جویا - چشم‌انداز - چوبینه  
(۴) خاضعانه - خندان - خواستار

- (۳) رسیدن - رفتار - روا  
(۴) هفته - چهره - زرده

- (۳) ساختار - ساقی‌گری - ستایش  
(۴) سراپرده - سرایش - سراینده

- (۳) شکوفا - شورانگیز - شوره  
(۴) شیرینی - شیلیایی - طولانی

- (۳) فعالیت - فوقانی - کنش  
(۴) کوشا - گرایش - گریان

- (۳) لغزش - لوطی‌گری - مالکیت  
(۴) مأموریت - واکنش - مردار

- (۳) قلمرو - نقلیه - نگارش  
(۴) نورانی - ویژگی - هزاره

- (۳) آهنگری - بدبینی - برابر  
(۴) انکارناپذیر - حماسه‌سرا - بررسی

- (۲) بی‌بازگشت - بی‌حاصلی - بینابین  
(۴) پدیدآورنده - پژوهشگر - پنهان‌کاری

- (۲) مناسب‌ترین - تصویرپردازی - تعیین‌شده  
(۴) توانایی - جریان یافتن - جزءنگری

- (۲) خبرگزاری - خواندنی - خودکامه  
(۴) دانش‌آموز - دانش‌نامه - درخشندگی

- (۲) عبرت‌پذیری - عدالت‌خواهی - عذرخواهی  
(۴) گذشتگان - گسترده‌ترین - گوش به زنگ

- (۲) دربردارنده - ناسزاواری - روبه‌رویی  
(۴) نیمه‌مرده - وابستگی - وارستگان

- (۲) خارق‌العاده - حسب‌حال - شکوفایی  
(۴) سازگاری - شانه‌به‌سر - صوفیان

- (۲) دهاتی‌ها - فرجام‌خواهی - گوشه‌گیر  
(۴) برخوردار - وحشی‌گری - پاسداری

## درس‌نامه

## فعل و اجزای جمله - نقش‌های دستوری

**نقش دستوری:** در جمله‌ها به جایگاهی که هر واژه یا گروه (صرف‌نظر از ساخت و نوع) در آن قرار می‌گیرد، نقش دستوری می‌گویند. نقش‌های دستوری دوگونه‌اند: نقش‌های اصلی و نقش‌های فرعی

**نقش‌های اصلی:** نهاد، مفعول، متمم، مسند، فعل

**نقش‌های فرعی:** صفت، مضاف الیه، قید، منادا، بدل، معطوف، تکرار

**نهاد:** اسم یا گروه اسمی که جمله پیرامون آن شکل گرفته و درباره آن اطلاعاتی را بیان می‌کند. نهاد گاهی انجام دهنده فعل است و گاهی از طریق فعل پذیرنده حالت یا صفتی است.

**نمونه:**

آرزو مرد و جوانی رفت و عشق از دل گریخت غم نمی‌گردد جدا از جان مسکینم هنوز

سیمگون شد موی و غفلت هم‌چنان بر جای ماند صبحدم خندید و من در خواب نوشینم هنوز

**نکته!** ممکن است نهاد به قرینه لفظی (شناسه فعل) حذف شده باشد، اما حتی در این صورت هم، جایگاهش را حفظ می‌کند.

مردم از درد و نمی‌آیی به بالینم هنوز مرگ خود می‌بینم و رویت نمی‌بینم هنوز

[من] مردم از درد و [تو] نمی‌آیی به بالینم هنوز [من] مرگ خود می‌بینم و [من] رویت نمی‌بینم هنوز

**مفعول:** واژه یا گروهی که کار (فعل) بر روی آن انجام می‌شود. مفعول معمولاً با نشانه «را» همراه است، اما وجود این نشانه اجباری نیست. برای شناسایی مفعول می‌توانیم فعل جمله را با سؤالاتی چون «چه چیزی را»، «چه کسی را» مورد سؤال قرار بدهیم.

**نمونه:**

عیب‌جو دل‌دادگان را سرزنش‌ها می‌کنند وای اگر با او کند دل آن‌چه با ما می‌کند

عشق و مستی را از این عالم بدان عالم بریم در نماند هرکه امشب فکر فردا می‌کند

**متمم:** واژه یا گروهی که همراه با حرف اضافه می‌آید و اتفاق افتادن فعل وابسته به وجود آن است. وجود متمم وابسته به نیاز فعل‌هایی است و تنها فعل‌هایی نیاز به متمم دارند که حرف اضافه اختصاصی دارند.

**نمونه:**

از عشق نرنجیم وگر مایه رنج است با نیش بسازیم اگر نوش ندارد

که از شیر و دیو و نهنگ و پلنگ نترسی و هستی چنین تیزچنگ

متمم را با قیدهایی که ظاهر متممی دارند، اشتباه نگیریم.

**مسند:** واژه یا گروهی که حالت یا صفتی را از طریق فعل به نهاد، مفعول یا متمم نسبت می‌دهد.

**نمونه:**

**نسبت دادن به نهاد:**

اکنون که گل سعادتت پر بار است دست تو ز جام می‌چرا بیکار است

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد که می‌حرام ولی به ز مال اوقاف است

گل بی رخ یار خوش نباشد بی باده بهار خوش نباشد

**نسبت دادن به مفعول:**

بدین سان همی راه بگذاشتند همه دشت را باغ پنداشتند

چون تمام افتد سراپا ناز می‌گردد نیاز قیس را لیلی همی نامند در صحرای من

معنی خوف و رجا تفسیر بغض و مهر اوست کاین یکی را معصیت نامند و آن یک را ثواب

**نسبت دادن به متمم:**

در این زمانه که مشروطه بر سر کار است به دزد، شحنه به رهنز، وکیل گویند

کمی بیشتر درباره نقش مسندی:

**الف) نسبت دادن مسند به نهاد (سه جزئی با مسند)**

فعل این جمله‌ها، اسنادی است. نقش مسندی را با پرسیدن سؤالاتی مانند «چه؟»، «که؟»، «چگونه؟» یا «چه‌طور؟» از فعل، تشخیص می‌دهیم.

**نکته:** مسند و قید شباهت زیادی دارند و نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم!

### مهم‌ترین فعل‌های اسنادی

است، بود، شد، گشت، گردید، (و صرف همه این فعل‌ها مانند «باشد، شود، ...»، آمدن (در معنی شدن) و معادل فعل‌های اسنادی: به شمار رفتن / آمدن، محسوب شدن، تلقی شدن، به نظر رسیدن، به حساب آمدن و ...

**نکته!** یکی از راه‌های تشخیص فعل اسنادی قابلیت جابه‌جایی این فعل با فعل‌های هم‌گروه آن‌هاست.

**نمونه:** هوا سرد است = بود = شد = گشت = گردید

**نکته!** در تشخیص فعل اسنادی به معنی آن توجه کنیم! فعل‌های زیر اسنادی نیستند:

فعل	معنی	نمونه
است	حضور داشتن / وجود داشتن	امروز هیچ‌کس در مدرسه نیست.
بود	حضور داشتن / وجود داشتن	ما هم آن‌جا بودیم.
شد	رفتن / گذشتن	خواجه به گلستان شد.
گشت / گردید	جست‌وجو کردن / چرخیدن	گردونه می‌گردید. / همه جا را دنبالشان گشتیم.

**نکته!** گاهی ممکن است فعل اسنادی مخفف شود و نباید آن را با شناسه اشتباه بگیریم.

مثلاً در جمله «چه قدر خوبیم ما!»، «یم» در واقع مخفف شده «هستیم» است.

**نکته!** گاهی ممکن است مسند، ظاهر متممی داشته باشد، اما هم‌چنان مسند به شمار می‌رود.

او دوست من است. او از دوستان من است.

مسند (متمم در جایگاه مسند)

در نمونه‌های بالا فعل اسنادی «است» مشخص می‌کند که پیش از آن، هرچه بیاید، مسند است و بودن یا نبودن حرف اضافه اهمیتی ندارد.

**ب) نسبت دادن مسند به مفعول (چهار جزئی با مفعول و مسند)**

از نظر معنایی در جمله‌های چهارجزئی با مفعول و مسند، مسند از طریق فعل به مفعول جمله نسبت داده می‌شود؛ یعنی مسند چگونگی مفعول را توضیح می‌دهد. توجه داشته باشیم که نهاد در این میان، انجام‌دهنده یا نسبت‌دهنده اصلی است. به نمونه زیر نگاه کن:

باران (نهاد) هوا را (مفعول) خنک (مسند) کرد.

در جدول زیر نمونه‌هایی از فعل‌های دارای مفعول و مسند را می‌بینی:

سرگروه	سایر فعل‌های هم‌معنی
گرداندن (گردانیدن)	کردن، نمودن، ساختن
نامیدن	نام نهادن، نام گذاردن، خواندن، گفتن، صدا کردن، صدا زدن
شمردن	به شمار آوردن، به حساب آوردن، محسوب کردن، قلمداد کردن
پنداشتن	انگاشتن، دیدن، دانستن، یافتن، تلقی کردن، تصوّر کردن، در نظر گرفتن

**ج) نسبت دادن مسند به متمم (چهار جزئی با متمم و مسند)**

فعل جمله چهارجزئی با متمم و مسند باید یک فعل اسنادی باشد که حرف اضافه اختصاصی هم داشته باشد. از میان فعل‌های چهارجزئی که یک جزء آن‌ها مسند باشد (فعل‌های نام‌برده در جدول قبل) فقط فعل «گفتن» چنین وضعیتی دارد. «گفتن» تنها فعلی گذرا به متمم و مسند است و هیچ معادل و جای‌گزینی هم ندارد:

اهالی محل به او پهلوان می‌گفتند.

**قید:** واژه یا گروهی در جمله که چگونگی یا حالت چیزی را در جمله بیان می‌کند و در واقع یکی از نقش‌های جمله (فعل، صفت، مسند و ...) را مقید و محدود و مشخص می‌کند. چند نمونه از قیده‌های مختلف را ببین:

قید فعل: حامد خیلی دوید.

قید صفت: اخبار خیلی مهم

قید مسند: این رمان خیلی خوب است.

قید قید: مینا خیلی سریع کتاب می‌خواند.

**نکته!** قید را می‌توان بدون آن‌که جمله ناقص شود، از جمله حذف کرد. این ویژگی موجب می‌شود قید را با مسند اشتباه نگیریم.

## تفاوت قید و مسند

- ۱- مسند صفت یا حالتی است که از طریق فعل به نهاد یا مفعول نسبت داده می‌شود، اما قید چگونگی حالتی را به یک نقش نسبت می‌دهد و نحوه اتفاق افتادن آن را مشخص و محدود می‌کند.
- ۲- مسند را نمی‌توان از جمله حذف کرد، اما قید قابل حذف است.
- ۳- در یک جمله با ارکان مرتب، گروه مسندی بلافاصله پیش از فعل اسنادی می‌آید، اما قید در جایگاه‌های مختلفی از جمله ممکن است قرار بگیرد.

**مضاف‌الیه:** اسمی که با نقش نمای اضافه به اسم پیش از خودش متصل می‌شود.

گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است  
چشم همه بر لعل لب و گردش جام است

حدیث مدعیان و خیال همکاران  
همان حکایت زردوز و بوریا باف است

**صفت:** واژه ای است که حالت، مقدار و یا یکی از ویژگی های اسم را بیان می کند یا توضیحی درباره آن می دهد. صفت ها به دو گروه «پیشین» و «پسین» تقسیم می شوند.

چه حالت است که گل در سحر نماید روی  
کجاست ساقی مه‌روی من که از سر مهر  
در آن مقام که سیل حوادث از چپ و راست  
چه شعله است که در شمع آسمان گیرد  
چو چشم مست خودش ساغر گران گیرد  
چنان رسد که امان از میان کران گیرد

**منادا:** واژه‌ای که مورد خطاب گوینده واقع شود. منادا معمولاً به همراه یکی از نشانه‌های ندا مانند «آی، ای، یا، ا» می‌آید.

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست  
منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست  
ساقیامی‌ده که با حکم ازل تدبیر نیست  
قابل تغییر نبود آنچه تعیین کرده‌اند  
یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است  
تابه‌گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد

**نکته!** گاهی منادا بدون نشانه به کار می‌رود که باید با توجه به معنی جمله آن را شناسایی کنیم.

سعدی تو کیستی که در این حلقه کمند

**بدل، معطوف و تکرار:** این سه مورد نقش مستقل نیستند و در واقع این‌ها تابع نقش دستوری گروه پیش از خودند که در گروه اسمی به آن پرداختیم.



## شناسایی نقش‌های دستوری

تستای این بخش درباره نقشی است که در عبارات و جملات و مفعول‌های بگیر تا وصفی و اضافی. درباره شناسایی شون توی درس‌نامه فونری. حالا وقتشه فودرت رو بستنی! اول سوالایی که نقش مورد نظر توی صورت سؤال اومره و واژه‌ها توی گزینه‌ها مشخص شدن:



۲۵۱۶- واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش مفعولی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت
- ۲) مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش
- ۳) مباحث بی می و مطرب که زیر طاق سپهر
- ۴) مژدگانی بده ای دل که دگر مطرب عشق

- آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد
- کاو به تأیید نظر حل معما می‌کرد
- بدین ترانه غم از دل به در توانی کرد
- راه مستانه زد و چاره مخموری کرد

۲۵۱۷- واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش مفعولی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) ای عروس هنر از بخت شکایت منما
- ۲) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
- ۳) حسب‌حالی ننوشتی و شد ایامی چند
- ۴) نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری

- حجله حسن بیارای که داماد آمد
- چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
- محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند؟
- حلقه اوراد ما مجلس افسانه شد

۲۵۱۸- واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش مسندی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) حافظ نگشتی شیدای گیتی
- ۲) مرغ دل باز هوادار کمان‌برویی است
- ۳) دل بیمار شد از دست رفیقان مددی
- ۴) از بتان آن طلب ار حسن شناسی ای دل

- گر می‌شنیدی پند ادیبان
- ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
- تا طبیب به سر آریم و دوا بی بکنیم
- کاین کسی گفت که در علم نظر بینا بود

۲۵۱۹- واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش قیدی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه؟
- ۲) به هواداری او دژه‌صفت رقص‌کنان
- ۳) جام می‌گیرم و از اهل ریا دور شوم
- ۴) سرایی را که صاحب نیست، ویرانی است معمارش

- مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه؟
- تالب چشمه خورشید درخشان بروم
- یعنی از اهل جهان پاک‌دلی بگزینم
- دل بی‌عشق، می‌گردد خراب آهسته‌آهسته

۲۵۲۰- واژگان مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش متممی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) هزار سلطنت دلبری بدان نرسد
- ۲) شب قدر است و روز عید هر ساعت مه و خور را
- ۳) ای آفتاب خوبان می‌جوشد اندرونم
- ۴) امن از این خاک چنان رفته که گر یابد باز

- که در دلی به هنر خویش را بگنجانی
- اگر خود را بگنجاند در شب‌های درویشان
- یک ساعت بگنجان در سایه عنایت
- خوف آن است که از آب بترسد ماهی

۲۵۲۱- واژگان مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش مفعولی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) شربت نوش آفرید از مگس نحل
- ۲) با نیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق
- ۳) اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک
- ۴) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود

- نخل تناور کند ز دانه خرما
- خام از عذاب سوختگان بی‌خبر بود
- از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک؟
- آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم

۲۵۲۲- واژگان مشخص شده در همه گزینه‌ها «نقش نهادی» دارند؛ به جز ..... .

- ۱) دامن مفشان از من خاکی که پس از من
- ۲) خرم آن روز کز این مرحله بریندم بار
- ۳) ای عاشقان روی تو از دژه بیش‌تر
- ۴) چو حافظ گنج او در سینه دارم

- زین در نتواند که برد باد غبارم
- وز سر کوی تو پرسند رفیقان خبرم
- من کی رسم به وصل تو کز دژه کم‌ترم؟
- اگر چه مدعی بیند حقیرم

و کمی متفاوت تر



۲۵۲۳- قافیه در کدام گزینه نقش «قیدی» دارد؟

- ۱) مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت
- ۲) پیر پیمانه‌کش من که روانش خوش باد
- ۳) با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم
- ۴) کم‌تر از دژه نه‌ای پست مشو مهر بورز

- گفت ای چشم و چراغ همه شیرین‌سخنان
- گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان
- که شهیدان که‌اند این همه خونین‌کفان؟
- تا به خلوت‌گه خورشید رسی چرخ‌زنان



# معنی واژه



موضوع: معنی واژه

نوع: حفظی - مفهومی

محتوا: معنی لغوی واژه‌ها، ترکیب‌ها و اصطلاحات

ریز موضوعات: معانی اصلی، مجازی، کنایی، استعاری

منبع مطالعه:

• واژه‌نامه پایان کتاب درسی

• واژه‌های بیرون از واژه‌نامه

تنوع تیپ: ۵ گونه

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: متوسط

## تیپ‌شناسی سؤالات معنی واژه

در سؤالات معنی واژه با ۵ تیپ اصلی به این نام‌ها روبه‌رو می‌شوی: واژه به‌ترتیب، معنی به‌ترتیب، مجموعه واژه، کمانکی، واژه در شعر

### نام تیپ: واژه به‌ترتیب

۱

**ساختار:** چند واژه را در صورت سؤال می‌بینی و معانی پیشنهادی را به‌ترتیب در گزینه‌ها.  
**ویژگی:** توجه طراح به غلط‌اندازها  
**فراوانی:** در هر سؤال معمولاً معنی ۴ واژه پرسیده می‌شود.  
**شگرد پاسخ‌گویی:** ردّ گزینه

نمونه: معنی واژه‌های «حمیت – بیغوله – ثمین – آخته» به‌ترتیب، کدام است؟

- × (۱) تلاش – شاهراه – وزین – تیز
- × (۲) جوان‌مردی – بیراهه – گران‌قدر – گشنده
- × (۳) مردانگی – خرابه – ارزشمند – بُزان
- ✓ (۴) غیرت – کنج و گوشه – پربها – بیرون کشیده

(فارع از کشور ۹۶)

پاسخ: گزینه (۴)

**معنی درست واژه‌ها:**

حمیت: غیرت، مروّت، جوان‌مردی

بیغوله: کنج، گوشه، ویرانه

ثمین: پربها، گران‌بها، گران‌قیمت

آخته: بیرون کشیده، برآورده، کشیده، برافراشته

### نام تیپ: معنی به‌ترتیب

۲

**ساختار:** معنی واژه‌ها را در صورت سؤال می‌بینی و واژه‌های مرتبط را به‌ترتیب در گزینه‌ها؛ درست عکس تیپ «واژه به‌ترتیب».  
**ویژگی:** توجه طراح به واژه‌های چندمعنایی  
**فراوانی:** در هر سؤال معمولاً ۴ واژه پرسیده می‌شود.  
**شگرد پاسخ‌گویی:** ردّ گزینه

نمونه: واژه‌های «اسب سرخ‌مو – مدّت دارنده – اطاعت کردن – قدم» به‌ترتیب، معانی کدام واژه‌ها است؟

- ✓ (۱) کَهر – متمادی – طوع – خُطوه
- × (۲) گرند – متواتر – مطاوعه – گام
- × (۳) گمیت – مُمد – مطیع – خُطوه
- × (۴) باره – متقارب – مطاع – خطوات

(تجربی ۹۶)

پاسخ: گزینه (۱)

**معنی درست واژه‌ها:**

کَهر: رنگ سرخ مایل به تیرگی (مخصوص اسب و استر)

متمادی: مدّت‌دارنده، طولانی، دراز

طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن

خُطوه: گام، قدم

## فارسی (۱)

### ستایش + فصل یکم

#### درس نامه

واژه‌های این فصل رو توی دو تا بخش «واژه‌نامه» و «متن درس» می‌بینی.  
 واژه‌نامه: واژه‌هایی که معنی‌اشون توی کتاب درسی اومده و توی آزمونام، بیشتر، از اونا استفاده می‌شه. پس دقیق بفونشون.  
 متن درس: واژه‌هایی که معنی‌شون مهمه، اما از پشم مؤلفای کتاب درسی اختارده‌ن، با این حال، با توجه به روش‌های طراحی سؤال توی پن سال گذشته، ممکنه توی آزمونا بیان!

#### واژه‌نامه

خورش و غذای شاهانه	خسروانی خورش	تیره‌بختی، بدبختی	إِدْبَار
خودرأی، خودسر، لجوج	خودرو	بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن	إِرْتَجَالاً
سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیپوده	خیره	رحم خواستن، طلب رحم کردن	إِسْتِرْحَام
بخش، یک‌ششم چیزی	دانگ	شنیدن، گوش دادن	إِسْتِمَاع
مرگبدان، جوهر	دوات	جمع فلک، آسمان، چرخ	إِفْلَاک
روزی‌دهنده	رزاق	نیک‌بختی، خوشبختی	إِقْبَال
منسوب به زنگار، سبز رنگ	زنگاری	ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن	إِلْزَام
آفرین	زهی	وقت، هنگام	أَوَان
پیچ و خم زلف	شکن	القصه، به هر حال، خلاصه	بَارِی
یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور	شهنواز	بداندیش، بدخواه	بَدْسِکَال
عارف، آگاه	صاحب‌دل	شایستگی، لیاقت	بِرَازَنْدَگی
تباه، تلف	ضایع	سر جانور را بریدن، چون مسلمانان در وقت ذبح جانور ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌گویند، به همین دلیل، به ذبح کردن «بسمل کردن» گفته می‌شود.	بَسْمَلِ کردن
جمع ضمیمه، همراه و پیوست؛ در درس: نشان‌های دولتی	ضمایم	جامه‌ای کم‌ارزش، گلیم درشت و کلفت	پِلَاس
خو، عادت، طبع و سرشت	طبیعت	زیور	پیرایه
آرامش، سکون و قرار	طمأنینه	گواهی‌نامه	تَصْدِیقِ نامه
خشم گرفتن بر کسی، سرزنش کردن	عتاب کردن	بهانه آوردن، درنگ کردن	تَعَلُّل
ستیزه‌کار، دشمن و بدخواه	عَنُود	جمع تعلیق، پیوست‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب؛ در درس: نشان‌های ارتشی	تَعْلِیقات
شور و غوغا کنان	عُلْغَلَه‌زَن	بیان، بیان کردن	تَقْرِیر
گشایش، گشایش در کار و مشکل	فرج	گرامیداشت	تَکْرِیم
روشنایی، پرتو	فروغ	لاغر و باریک‌اندام	تَکِیدَه
بخشش، کرم، نیکویی، دانش	فضل	شتابنده، سریع	تِیزِ پا
سرشار و فراوان، بسیار بخشنده	فیاض	غم، اندیشه، خدمت؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد.	تِیمار
خویشی و خویشاوندی	قرباب	جفاکار، ستمکار	جَافِی
پس‌گردن، پشت گردن، پشت	قفا	شرم و حیا	حُجُب
سقف دهان، مجازاً دهان، زبان	کام	ورقه نازک فلزی، از جنس حَلَب	حَلَبِی

کَمیت	اسب سرخ مایل به سیاه	معرکه	میدان جنگ، جای نبرد
گلین	بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل	مغلوب	شکست خورده
لاجَرَم	ناگزیر، ناچار	مفتاح	کلید
لَعِب	بازی	مفتول	سیم، رشته فلزی دراز و باریک
لَقِن تَقول	برای چه کسی می‌گویی؟	ملفت شدن	آگاه شدن، متوجه شدن
لَهو و لَعب	خوش‌گذرانی	منجلاب	محل جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو
لَهو	بازی و سرگرمی، آن چه مردم را مشغول کند.	مُندرس	کهنه، فرسوده
مألوف	خو گرفته	مُنکر	زشت، ناپسند
متداول	معمول، مرسوم	مولع	شیفته، بسیار مشتاق، حریص، آزمند
مُحال	دروغ، بی‌اصل، ناممکن	نادره	بی‌مانند، بی‌نظیر
مُخذول	خوار، زبون گردیده	نمط	روش، نوع
مستغنی	بی‌نیاز	نموده	نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده
مسخرگی	لطیفه‌گویی، دلکی	نیلوفری	صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی (در درس، مقصود از «پرده نیلوفری»، آسمان لاجوردی است.)
مُسکِر	چیزی که نوشیدنش مستی آورد؛ مثل شراب	وَرطه	زمین پست، مهلکه، هلاکت
مُطرب	عمل و شغل مطرب؛ مطرب: کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد.	هنگامه	غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم
مُعاصی	جمع معصیت، گناهان	یله	رها، آزاد؛ یله دادن: تکیه دادن

## متن درس

باب دندان	کنایه از «مناسب، مطابق میل و آرزو»	سکالیدن	اندیشیدن، فکر کردن (سگال: بن مضارع)
برزن	کوچه، کوی، محله	سهم	ترس
بُن	ریشه، بنیاد، پایان، آخر	سهمگن	خوفناک، ترس آور
تابناک	روشن، درخشان، تابدار	طَرَب	شادی، نشاط
حقارت	خواری، پستی، زبونی	غالب	غلبه کننده، پیروز، چیره شده
خَلّاق	آفریننده، مبدع	کُز طبع	بی‌ذوق
ذبح	سر بریدن	گرد برانگیختن	کنایه از «جنگیدن»
زَهاورد	راه‌آورد، سوغات، ارمغان	ناشیانه	از روی بی‌تجربگی؛ ناشی: تازه‌کار، کم‌تجربه
زَهره در	ترسناک، وحشت‌آور	هَلیم	غذایی لذیذ که از گندم پوست کنده و گوشت می‌پزند. اصل این کلمه، «هلام» بوده و ممال شده است و نوشتن آن به صورت «حلیم» نیز متداول است.
زهره	کیسه صفرا یا مایع زرد رنگ و تلخ موجود در آن	همسری	برابری
سپر انداختن	کنایه از «تسلیم شدن»	یکتا	بی‌نظیر، بی‌مانند

## واژه به‌ترتیب

ساختار: واژه در سؤال، معنی در گزینه

ویژگی: توجه طراح به غلط‌اندازها

فراوانی: معمولاً ۴ واژه

شگرد پاسخ‌گویی: ردّ گزینه

واژه به‌ترتیب: چُن تا واژه توی صورت سؤال می‌بینی که توی هر گزینه، معنی‌هایی براشون پیشنهاد شده از تپّای مهم و «سها» دار! یعنی بیشتر وقتا توی کُتور از قبل واسه‌ش یه دونه سه‌میه کنار گذاشتن. پس سعی کن از همین الان باهاش رفیق شی. از تستا نترس. هر قسمتی به نظرت سفت‌تره بیشتر هواسِت رو جمع کن. توی تستای معنی واژه - همه تپّاش - به «غلط‌انداز» اهمّیت بده. توی این سوّال، صدر صدر تمرکز طراح روی غلط‌اندازه؛ یعنی هر چیزی که آدم رو به اشتباه میندازه. همه چیزایی که باعث می‌شن معنی غلط رو با درست اشتباه بگیري.

هتَمین هتَمّا پاسقای تشریحی رو خوب بفون. گزینه‌های غلط توی پاسقا مقبّل بررسی شدن. آگه می‌فوی ضرر کننی پاسقا رو چّری بگیرا

قبل از شروع کردن، اول، فهرست واژه‌های فصل اول رو بفون ولی به ترتیب، اول واژه‌نامه و بعد متن درس.

با ۴ تا واژه شروع کن!



- ۲۷۶۸- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «باری - هنگامه - فضل - مُحال» اشاره شده است؟  
 (۱) بزرگ - نزدیکی - بخشش - دروغ  
 (۲) القصه - جمعیت مردم - گرم - بی‌اصل  
 (۳) به هر حال - غوغا - نیکویی - مورد شک  
 (۴) خلاصه - ابتدای کار - دانایی - ناممکن
- ۲۷۶۹- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «خیره - آوان - مولع - وَرطه» اشاره شده است؟  
 (۱) فرومانده - میانه - آزمند - هلاکت  
 (۲) حیرت - وقت - بسیار مشتاق - نابودی  
 (۳) لجوج - هنگام - حریص - زمین پست  
 (۴) بیهوده - ابتدا - شیفته - مهلکه
- ۲۷۷۰- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «الزام - خودرو - طبیعت - غنود» اشاره شده است؟  
 (۱) واجب گردانیدن - لجوج - طبع - مخالفان  
 (۲) واجب - خودسر - سرشت - دشمن  
 (۳) ضروری - متکی به خود - خو - بدخواه  
 (۴) لازم گردانیدن - خودروی - عادت - ستیزه‌کار
- ۲۷۷۱- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «وَرطه - نادره - خیره - نمط» اشاره شده است؟  
 (۱) مهلکه - بی‌مانند - سرگشته - زیرانداز  
 (۲) نابودی - شگفت‌انگیز - حیران - پلاس  
 (۳) زمین پست - بی‌نظیر - فرومانده - روش  
 (۴) هلاکت - گوشه - لجوج - نوع
- ۲۷۷۲- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «مولع - الزام - آوان - ضایع» اشاره شده است؟  
 (۱) حریص - ضرورت - ابتدا - زشت  
 (۲) شیفته - لازم گردانیدن - هنگام - تلف  
 (۳) بسیار مشتاق - مصمم - اوایل - تباه  
 (۴) آزمند - واجب گردانیدن - وقت - زمین زراعی
- ۲۷۷۳- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «خودرُو - ملتفت شدن - غنود - اِدبار» اشاره شده است؟  
 (۱) مستبد - بهره‌مند شده - ستیزه‌کار - کاردانی  
 (۲) خودروی - استفاده کردن - دشمنان - بدبختی  
 (۳) لجوج - آگاه شدن - بدخواه - تیره‌بختی  
 (۴) خودسر - متوجه شدن - دشمن - خردمند

## کمانکی

ساختار: واژه (معنی) / واژه (معنی) / ...

فراوانی: معمولاً ۸ واژه

ویژگی: غلط‌اندازها، جمع و مفرد

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی کامل واژه‌ها و معانی

به این می‌گیم تیپ کمانکی. «کمانک». تکرار کن: ک... ما... نک! به بار دیگه: ک... ما... نلگ! حالا شما این اسم رو خوب یادت بمون. تیپیه که همیشه باید جلوی چشمش باشه. باید بهوش عادت کنی. سواً دارِ قهریه. یعنی توی قبلی لنگورا سهمیه داشته. طراح که هیپی، وزیر آموزش پرورش عوض بشه، این دو تا کمانک از باشون نکلون نمی‌فورن! سال‌های سال توی همه‌ی لنگورا، همه‌ی رشته‌ها، همه‌ی این پَن سال، سوال بوده. توی واژه و املا و تاریخ ادبیات تا دلت بفواد آزش سوال اومره. پس سعی کن دوش داشته باشی. سعی خودت رو بکن. عادت می‌کنی. ما (ما هم!) اول فوشمون نمیومر. از بس که غلط‌انداز داشت. چوری شده بود که هر وقت می‌دیریمش می‌گفتیم: «کمانک، هیا کن! آزمونا رو رها کن!» انقدر اومر! انقدر اومر که عاشقش شدیم! پاسخ تشریفی رو فراموش نکن! مقصوداً این که تیپ کمانکی از بقیه تیپا غلط‌اندازای بیشتری داره. ردگزینه‌م این‌ها جواب نمی‌ده. این تیپ، دیگه «تنبلی‌بردار» نیست! باز می‌گیم: پاسقای تشریفی رو فراموش نکن. اصلاً آکه پاسقا رو نمی‌فونی، سوالا مَ هل نکلن! مرد باش!!!

باید واژه‌هایی که اشتباه معنی شدن رو با دقت بشمری. هواسِت به هیئت مثبت و منفی سؤال (درست یا نادرست) باشه اول با ۶ تا واژه شروع می‌کنیم.

۲۷۷۴- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

افلاک (چرخ) / خَلَق (مبدع) / زهی (افسوس) / فضل (نیکویی) / فروغ (پرتو) / رَزاق (روزی‌دهنده)

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

و از این‌ها به بعد ۸ تایی

۲۷۷۵- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

تعلل (درنگ کردن) / مفتاح (گشایش) / معرکه (جای نبرد) / هنگامه (زمان دیدار) / یله (آزاد) / شکن (پیچ و خم زلف) / تیزپا (شتابنده) / برازندگی (لایق)

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۷۷۶- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

تکیده (بی‌اختیار) / استرحام (رحم کردن) / مُحال (بی‌اصل) / تیمار (بدحالی) / تصدیق‌نامه (گواهی‌نامه) / کَمیت (اسب زرد) / مُسکِر (مست) / دوات (جوهر)

(۱) چهار (۲) سه (۳) پنج (۴) شش

۲۷۷۷- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

حُجَب (شرم و حیا) / طمأنینه (سکون و قرار) / سگالیدن (بداندیش) / برزن (محلّه) / فیاض (بسیار بخشنده) / طَرَب (سرگرمی) / مخدول (زیون‌گردیده) / معاصی (گناه)

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

## فارسی (۲)

### ستایش + فصل یکم

#### درس نامه

واژه‌های این فصل رو توی دو تا بخش «واژه‌نامه» و «متن درس» می‌بینی.  
واژه‌نامه: واژه‌هایی‌ین که معنیاشون توی کتاب درسی اومره و توی آزمونا۴، بیشتر، از اونا استفاده می‌شه. پس دقیق بفونشون.  
متن درس: واژه‌هایی‌ین که معنیاشون مهمه، اما از پیشم مؤلفای کتاب درسی افتاده‌ن. اما با توبه به روش‌های طراحی سؤال توی ین سال گذشته، ممکنه توی آزمونا بیان!

#### واژه‌نامه

ادبار	نگون‌بختی، پشت کردن؛ متضاد اقبال	زر پاره	قراضه و خُرده زر، زر سکه شده
اطبا	جمع طبیب، پزشکان	زنخدان	چانه
افگار	مجروح، خسته	سبحان الله	پاک و منزّه است خدا؛ برای بیان شگفتی به کار می‌رود، معادل «شگفتا»
اقبال	نیک بختی، روی آوردن	سِندن	ستاندن، دریافت کردن
ایزد	خدا، آفریدگار	سرسام	ورم مغز، سرگیجه و پریشانی، هذیان
برنشتن	سوار شدن	سور	جشن
بی‌شبهت	بی‌تردید، بی‌شک	شبگیر	سحرگاه، پیش از صبح
توفیق	آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن	شراع	سایه‌بان، خیمه
توقیع	امضا کردن فرمان، مُهر کردن نامه و فرمان	شغال	جانور پستانداری است از تیره سگان که جزورسته گوشت‌خواران است.
تیره رای	بداندیشی، ناراستی	شَل	دست و پای از کار افتاده
جیب	گربان، یقه	شوریده رنگ	آشفته حال
چاشتگاه	هنگام چاشت، نزدیک ظهر	صعب	دشوار، سخت
چاشنی	مزه، طعم	صِلَت	بخشش
چنگ	نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.	صِیَعَت	زمین زراعتی؛ صِیَعَتک: زمین زراعتی کوچک
حَشَم	خدمت‌کاران	عارضه	حادثه، بیماری
حلاوت	شیرینی	عَزَّ و جَل	عزیز است و بزرگ و ارجمند
حمیت	غیرت، جوان‌مردی، مردانگی	عقد	گردن‌بند
خَطُوات	جمع خُطوه، گام‌ها، قدم‌ها	غرامت زده	تاوان زده، کسی که غرامت کشد.
خیرخیر	سریع	عَزو	جنگ کردن با کُفار
خیلناش	گروه نوکران و چاکران	غیب	پنهان، نهان از چشم
دربايست	نیاز، ضرورت	فارغ شدن	آسوده شدن از کار
دَرسَت	تندرست، سالم	فراخ تر	آسوده‌تر، راحت‌تر
دَغَل	مکر و ناراستی، در درس: مکار و تنبل	فراغ	آسایش، آسودگی
دوال	چرم و پوست؛ یک دوال: یک لایه، یک پاره	فرود سرای	اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمت‌گزاران
دون همت	کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه	فروماندن	متحیر شدن
راغ	دامنه کوه، صحرا	فیروزه فام	به رنگ فیروزه، فیروزه رنگ
رُقعَت	رقعه، نامه کوتاه	قضا	تقدیر، سرنوشت
روضه	باغ، گلزار	قوت	رزق روزانه، خوراک، غذا
زایل شدن	نابود شدن، برطرف شدن	کافی	دانای کار، باکفایت

کران	ساحل، کنار	مهمات	کارهای مهم و خطیر
کراهیت	ناپسندی	مؤکد	تأکیدشده، استوار
گداختن	ذوب کردن	ناو	قایقی کوچک که از درخت میان تهی سازند.
گسیل کردن	فرستادن، روانه کردن	ندیم	هم‌نشین، همدم
لختی	اندکی	نژند	خوار و زبون، اندوهگین
میشّر	نویددهنده، مژده‌رسان	نکّت	نکته‌ها
متقارب	نزدیک‌شونده، هم‌گرا	نماز پیشین	نماز ظهر
محبوب	پنهان، مستور	وَبال	سختی و عذاب، گناه
مخنقه	گردن‌بند	وزر	بار سنگین، در درس: بارِ گناه
مرغزار	سبزه‌زار، چراگاه، علفزار	همایون	خجسته، مبارک، نیک بخت
مطرب	آوازخوان، نوازنده	بوز	بوزپلنگ، جانوری شکاری، کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار آهو و مانند آن می‌روند.
مقرون	پیوسته، همراه		

### متن درس

اعیان	بزرگان	عرصه	میدان، پهنه، گستره
بار دادن	اجازه ملاقات دادن	عرضه ده	نشان‌دهنده، نمایانگر
بارگه	کاخ و دربار پادشاه	عزوجل	عزیز و بزرگ است.
باز نمود	توضیح داد، نشان داد، آشکار کرد	علّت	بیماری، مریضی
بشارت	خبرخوش، نوید، مژده	عمید	بزرگ، سرّور، سردار، رئیس قوم
تاس	کاسه	غریب	فریاد، خروش، بانگ بلند
تشویش	آشفته‌گی، بی‌قراری، ناآرامی	غزنین	نام شهری که پایتخت غزنویان بوده است.
تفرّج	تماشا، سیر، گردش، گشادگی خاطر	فام	رنگ
توزی	منسوب به توز، پارچه نازک‌کنانی که نخست در شهر توز می‌بافته‌اند.	فخر	افتخار، مباهات، بالیدن
جامه‌ها	گسترده‌نی‌ها	قاعده	روش، أسلوب، شیوه
جمال	زیبایی	قرین	همدم، همسر، یار، مصاحب
خطام	مال اندک، ریزه و شکسته چیزی، در لغت به معنای ریزه گیاه خشک	القضه	خلاصه
خامی	کنایه از «بی‌تجربگی و نادانی»	کافور	دارویی است خوش‌بو و سفیدرنگ که از بعضی گیاهان به ویژه درختی معروف به درخت کافور به دست می‌آید. کافور، اثر ضدعفونی‌کننده و ضدّ تب دارد.
خداوند	پادشاه، سلطان	کتّان	گیاهی که از ساقه‌های الباف آن در نساجی استفاده می‌کنند.
خرام	با ناز و به آهستگی راه رفتن	کمر بستن	آماده شدن، همّت کردن
خواجه	سرّور، بزرگ	کوشک	کاخ، قصر
دبیر	نویسنده، کاتب	کوفته شدن	ضربه خوردن
درخستند	پریدند	گران	سنگین
دوات	مرکّب‌دان	گزید	برگزید، انتخاب کرد
دون	پست، سفله، فرومایه، خسیس	لشکری	سپاهیان
رای	اندیشه	لِیْهِ دَرْکَمَا	جمله دعایی است به معنای «خدا خیرتان بدهد.»
رخت کشیدن	کنایه از «نقل مکان کردن و اقامت گزیدن»	مثال دادن	فرمان دادن
رزق	روزی	مستحقّان	نیازمندان، فقیران
رعیت	عامه مردم	ممالک	جمع مملکت، کشور، قلمرو پادشاهی
رُقعّت	نامه	نادره	کم‌یاب
زاغ	پرنده‌ای است حلال‌گوشت شبیه کلاغ که تمام پرهایش سیاه‌رنگ است.	نبشتن	نوشتن
زَبَر	بالا	ولایت	کشور، سرزمین
شاهد	زیبارو، معشوق، محبوب	هزار هزار	یک میلیون
شمار دادن	جواب پس دادن	هزاهز	آشوب و فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد.
صنع	آفرینش	هنر	بخت، شانس
عار	ننگ		



## واژه به ترتیب

ساختار: واژه در سؤال، معنی در گزینه  
فراوانی: معمولاً ۴ واژه

ویژگی: چندمعنایی، چندباینی، جمع و مفرد، معانی سخت تر از لغت  
شگرد پاسخ‌گویی: ردگزینه

«واژه به ترتیب» رو که می‌شناسی؟ به بار دیگه بررسیش می‌کنیم. این بار توی فارسی ۲ همین‌جا اول کتاب فارسی ۲ به بار دیگه می‌گیریم که وسط تست زدن هی نیایم سراغت؛ پاسخ تشریفیه رو بفووووون!

با سه تا واژه شروع می‌کنیم...



۲۹۶۷- معنای واژگان «مخنقه - عقد - حطام» به ترتیب در کدام گزینه دقیق‌تر آمده است؟

- (۱) پیراهن - دانه درشت - ریزه گیاه خشک  
(۲) قلاده - گردن‌بند - مال اندک دنیا  
(۳) گردن‌آویز - پیمان بستن - ارزش‌های دنیوی  
(۴) نوعی لباس - گردن‌آویز - ثروت کم و ارزشمند دنیا

و چهار تای!



۲۹۶۸- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «گسیل کردن - همایون - وُبال - مرغزار» اشاره شده است؟

- (۱) جدا کردن - خجسته - عذاب - محلّ تجمع پرندگان  
(۲) فرستادن - مبارک - درشت - سبزه‌زار  
(۳) پاره کردن - خوش‌یمن - ناتوان - جنگل  
(۴) روانه کردن - نیکبخت - گناه - چراگاه

۲۹۶۹- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «سرسام - خطوات - قوت - دون همت» اشاره شده است؟

- (۱) ورم مغز - گام - خوراکی - کوتاه‌همت  
(۲) هذیان - قدم‌ها - رزق روزانه - کوتاه‌اندیشه  
(۳) پریشانی - سخنرانی‌ها - غذا - دارای طبع پست  
(۴) سرگیجه - گام‌ها - توان - بلند نظر

۲۹۷۰- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «دَغَل - حمیت - ادبار - نژند» اشاره شده است؟

- (۱) مکار - غیرت - اندیشیدن - خوار  
(۲) مکر - تعصب - نگون‌بختی - خشمگین  
(۳) ناراستی - مردانگی - پشت کردن - اندوهگین  
(۴) تنبل - جوان‌مردی - تأمل کردن - زبون

۲۹۷۱- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «نژند - ادبار - دَغَل - دون» اشاره شده است؟

- (۱) اندوهگین - اندیشیدن - ناراست - پست  
(۲) افسرده - پشت کردن - مکار - فرومایه  
(۳) سرگشته - درایت داشتن - حيله‌گر - سفله  
(۴) پژمرده - بدبختی - نوعی ساز - خسیس

۲۹۷۲- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «حمیت - زَنَخْدان - قوت - اقبال» اشاره شده است؟

- (۱) جوانمردی - خسیس - نیرو - خوشبختی  
(۲) رشک - گریبان - غذا - سعادت  
(۳) غیرت - چانه - خوراک - روی آوردن  
(۴) مروّت - رشته تاب‌داده - توان - لایق بودن

۲۹۷۳- در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «همایون - وُبال - محبوب - مبشّر» اشاره شده است؟

- (۱) میمون - سختی - دورافتاده - مژده  
(۲) خجسته - عذاب - پنهان - انسان  
(۳) مبارک - اضافی - ترک‌شده - نویددهنده  
(۴) نیک‌بخت - گناه - مستور - مژده‌رسان

## کمانکی

ساختار: واژه (معنی) / واژه (معنی) / ...  
فراوانی: معمولاً ۸ واژه

ویژگی: غلط‌اندازها، جمع و مفرد  
شگرد پاسخ‌گویی: بررسی کامل واژه و معانی

مثل همیشه پُر و پیمون و قَبِراق و توپَره. مثل همیشه پُر سوآلای پرکنکه و به یادمونرنی. بزَن که نوش پونَت باشه پِوون. اولیش ۷ تای و بعد، بیشتر می‌شن!



۲۹۷۴- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن، نادرست نوشته شده است؟

- نژند (دشوار) / اقبال (خوشبختی) / صنع (آفرینش) / دون (فرومایه) / بارگه (کاخ و دربار پادشاه) / گران (سنگین) / جیب (گریبان)  
(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک



۲۹۷۵- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

- وُبال (سختی و عذاب) / متقارب (گزنده) / غرامت‌زده (تاوان‌زده) / زَر پاره (زَر سگه‌شده) / بی‌شبهت (تردید) / غیب (پنهان از چشم) / ادبار (روی آوردن) / ندیم (همدم)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۹۷۶- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

- نژند (نگران) / حمیت (جوانمردی) / توقیع (بدگویی) / راغ (صحرا) / روضه (گلزار) / صَبِعت (نابودی) / فراخ‌تر (راحت‌تر) / گداختن (ذوب کردن)  
(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۹۷۷- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

- مبشّر (مژده‌رسان) / وزر (بار سنگین) / مؤکد (استوار) / محبوب (مستور) / قضا (تقدیر) / سرسام (ورم مغز) / دوال (زخم) / افگار (اندیشه‌ها)  
(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

## ستایش + فصل یکم

### درس نامه

واژه‌های این فصل را در دو بخش «واژه‌نامه» و «متن درس» می‌بینی ...  
 واژه‌نامه: واژه‌هایی که در کتاب درسی برایشان معنی‌هایی ذکر شده و مطمئناً در آزمون‌ها بیشتر از آن‌ها استفاده می‌شود. پس آن‌ها را دقیق‌تر بفهم ...  
 متن درس: واژه‌هایی که از نظر معنایی مهم‌اند اما از نظر مولفین کتاب درسی پنهان مانده‌اند اما با توجه به روش‌های طراحی سؤال در سال‌های اخیر ممکن است در آزمون‌ها مورد پرسش قرار گیرند.

### واژه‌نامه

ادیب	آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، در متن درس به معنای معلم و مربی است.	ثنا	ستایش، سپاس
اعراض	روی گردان از چیزی، روی گردانی، انصراف	جزا	پاداش کار نیک
افسار	تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.	جسیم	خوش‌اندام
اکراه	ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری	جلال	بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
إنابت	بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی	جود	بخشش، سخاوت، کرم
انبساط	حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن	حد	کیفر و مجازات شرعی برای گناه‌کار و مجرم
بنات	جمع بنت، دختران	حکیم	دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیپوده انجام نمی‌دهد.
بَنان	سرانگشت، انگشت	حلیه	زیور، زینت
پویدن	حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن	خمار	می‌فروش
تاک	درخت انگور، رز	خوان	سفره، سفره فراخ و گشاده
تتمه	باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت	داروغه	پاسبان و نگهبان، شب‌گرد
تحفه	هدیه، ارمغان	دایه	زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
تحیر	سرگشتگی، سرگردانی	درهم	دزم، مسکوک نقره که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق «پول» مورد نظر است.
تزویر	نیرنگ، دورویی، ریاکاری	دینار	واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس، مطلق پول است. وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است.
تضرع	زاری کردن، التماس کردن	ذوالجلال	خداوند بزرگواری، صاحب بزرگی
تقصیر	گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن	ربیع	بهار

سه تا نمونه از کنگور سراسری



(ریاضی ۸۳)

۳۲۳۳- معنی واژه‌های «صفوت - نسیم - وسیم - دُجی - حلیه» کدام است؟

- (۱) روشنی - معطر - دارای نشان - مرغ - زینت  
(۲) برگزیده - خوش‌بو - دارای نشان پیامبری - تاریکی‌ها - زیور  
(۳) روشن - خوش‌بو - شناخته شده - تاریک - زیور  
(۴) خلوص - باد ملایم - داغ‌دار - مرغ - زینت

(زیان ۸۳)

۳۲۳۴- معنی همه واژه‌های «اعراض - انابت - تتمه - فایق - مفخر» در کدام گزینه درست است؟

- (۱) ظواهر - بازگشت - پایان - بهتر - مایه سرافرازی  
(۲) روی برگرداندن - توبه - باقی‌مانده - برتر - مایه ناز و بزرگی  
(۳) روی برگرداندن - توبه - باقی‌مانده - برتر - مایه ناز و بزرگی  
(۴) سرپیچی کردن - بازبینی اعمال - پایان‌بخش - بهتر - افتخارآفرین

(فارع از کشور ۸۳)

۳۲۳۵- معنی درست همه واژه‌های «شکور - ربیع - قدوم - باسق - تضرع» کدام است؟

- (۱) سپاس‌گزار - بهار - آمدن - بلند - زاری کردن  
(۲) شکرگزار - زیبا - آمدن - گناه‌کار - زاری کردن  
(۳) شکرگزار - بهار - قدم‌ها - برتر - درخواست کردن  
(۴) سپاس‌گزار - زیبا - قدم نهادن - بالارونده - التماس‌کننده

## کمانکی

ساختار: واژه (معنی) / واژه (معنی) / ...

ویژگی: غلط‌اندازها، جمع و مفرد

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی کامل واژه و معانی

فراوانی: معمولاً ۸ واژه

فوش اومری به تیپ کمانکی بون! به تیپی که ما دوشش داریم. به تیپی که یقه همه‌مون دستشه. شوفی نگیرش که شوفی نراره!



۳۲۳۶- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند. / تتمه: باقی‌مانده / جسیم: خوش‌اندام / داروغه: شب‌گرد / ممد: طولانی / والی: حاکم / شبیه: همسان / عصاره: افشیره»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۲۳۷- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«کاینه: حیل‌گر / معاملات: اعمال عبادی / وظیفه روزی: رزق مقرر و معین / بتان: انگشتان / تقصیر: کوتاهی کردن / حلیه: پارچه ابریشمی / ربیع: بهار / نماینده: نشان‌دهنده»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۲۳۸- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد. / عاکف: هراسان / فضل: گرم / مدام: می / ملک: فرشته مقرب / اکراه: ناخوشایند / تحفه: بی‌ارزش / جلال: بزرگواری»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۲۳۹- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. / منسوب: گماشته شده / وجه: ذات / شفیع: شفاعت‌کننده / غرامت: تاوان / کرامت کردن: عطا کردن / معترف: اقرار کننده / یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۲۴۰- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«والی: حاکم / حد: مجازات شرعی / عار: ننگ / خمار: ملول / محتسب: مأموری که کار او نظارت بر اجرای احکام دین بود. / وجه: ذات / واعظ: سخنور اندرزگو / مدام: می»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۲۴۱- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / جیب: گریبان / حلیه: آگاه باش / عاکف: گریزنده / منکر: انکار کننده / باسق: بلند / بنان: سرانگشت / اجابت: قبول کردن / وسیم: دارای نشان پیامبری / کاینه: موجود»

- (۱) دو (۲) چهار (۳) یک (۴) سه

۳۲۴۲- معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرست ذکر شده است؟

«انابت: بازگشت به سوی خدا / اعراض: عرضه کردن / قسیم: زیبا / مکاشفت: آشکار ساختن / فایق: برگزیده / مزید: افزونی / تقصیر: گناه / تاک: رز / صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / حلیه: زینت»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

# املا



موضوع: املا

نوع: حفظی - مفهومی

محتوا: درست نوشتن واژه با توجه به معنی

ریز موضوعات: املا

منبع مطالعه:

• واژه‌نامه پایان کتاب درسی

• واژه‌های بیرون از واژه‌نامه

تنوع تیپ: ۵ گونه

وضعیت پاسخ‌گویی داوطلبان: ضعیف

## تیب‌شناسی سؤالات املای واژه

در سؤالات املا با ۵ تیب به این نام‌ها روبه‌رو می‌شوی: املا با توجه به معنی، املا در گروه کلمات، املا در عبارت، املا در متن، املا در شعر

### ۱ نام تیب: املا با توجه به معنی

**ساختار:** معنی چند واژه را در صورت سؤال می‌بینی و در گزینه‌ها برای هر واژه چند شکل املایی پیشنهاد شده است.  
**ویژگی:** توجه ویژه طراح به واژه‌های «هم‌آوا» و «یادآور»؛ سادگی تشخیص پاسخ به دلیل امکان مقایسهٔ املاهای مختلف یک واژه. سؤالات این تیب گاهی به صورت کمانکی طرح می‌شود.  
**فراوانی:** در هر سؤال معمولاً ۴ املا ۴ واژه پرسیده می‌شود.  
**شگرد پاسخ‌گویی:** ردگزینه

نمونه: املا صحیح کلمه‌ها به معانی «تفرّجگاه - اندوه - آبروریزی - تندی - تاوان» کدام است؟

- ۱) نـزحـتـگـه - ضـجـرت - حـتـاکـی - سـورت - قـرامـت
- ۲) نـزـهـتـگـه - ضـجـرت - هـتـاکـی - سـورت - غـرامـت
- ۳) نـزـهـتـگـه - زـجـرت - حـتـاکـی - ثـورت - غـرامـت
- ۴) نـزحـتـگـه - زـجـرت - هـتـاکـی - ثـورت - قـرامـت

(کارشناسی ارشد ۹۰)

پاسخ: گزینه (۲)

املا درست واژه‌ها:

نـزـهـتـگـه: تفرّجگاه / ضـجـرت: اندوه، دل‌تنگی (زجر: شکنجه) / هـتـاکـی: آبروریزی، پرده‌داری / سـورت: شدت، تندى / غـرامـت: تاوان، جریمه

### ۲ نام تیب: املا در گروه کلمات

**ساختار:** در هر گزینه چند «گروه کلمه» داده می‌شود که املاى یک یا چند تا از آن‌ها نادرست است. به‌ندرت هم ممکن است گروه کلمات در هر چهار گزینه مثل هم باشند و فقط شکل املاى آن‌ها دست‌کاری شده باشد.  
**ویژگی:** تعداد زیاد واژه‌ها و در عوض، امکان حدس املاى درست با توجه به رابطهٔ هم‌نشینی واژه‌ها در هر گروه کلمه. سؤالات این تیب گاهی به صورت کمانکی طرح می‌شود.  
**فراوانی:** در هر گزینه معمولاً ۴ گروه کلمه بررسی می‌شود؛ یعنی در هر سؤال حداکثر ۱۶ تا!  
**شگرد پاسخ‌گویی:** ردگزینه

نمونه ۱: در کدام گروه کلمه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) ملجأ و مأوا - اخوت و دوستی - برائت و بی‌زاری - نطق غرا
- ۲) وزر و وبال - مؤانست و دوستی - شیوه و نسق - تائی و وقار
- ۳) بحبوحه و اثنا - بقاع متبرکه - تقاس و تلافی - انزجار و نفرت
- ۴) متالائی و درخشان - سفر و حضر - سیاق مطلب - لمحّه و لحظه

(تیمری ۹۶)

پاسخ: گزینه (۳)

املا درست واژه:

تقاص: تلافی

نمونه ۲: در میان گروه واژه‌های زیر چند غلط املایی به چشم می‌خورد؟

«صباع و وحوش / انزجار و بی‌زاری / اجل و تقدیر / اصطناع و انتخاب / مقنّی‌ها و اهل طرب / غزه شعبان / فطرت و سستی / برهه و زمان / هرس شاخه‌ها»

۴) پنج

۳) چهار

۲) سه

۱) دو

(انسانی ۹۵)

پاسخ: گزینه (۲)

املا درست واژه‌ها:

سـباع: جانوران وحشی / مـعنّی: نوازنده / فـطرت: سستی

مرغزار (سبزه‌زار)	موسم (فصل)	نهیضت (جنبش)	هلهله (جوش و خروش)
مرهم (التیام‌بخش)	موصل (شهری در عراق)	نهیض (فریاد)	همایون (خجسته)
مسافت (فاصله)	میثاق (عهد)	ورطه (مهلکه)	همزه (از حروف الفبای فارسی)
مطمئن (مورد اعتماد)	میسر (ممکن)	وزر (بار سنگین، گناه)	هوسناک (آرزومند)
مظاهر (پشتیبانی)	میکائیل (از فرشتگان مقرب)	وقیعت (سرزنش)	هیاهو (غوغا)
مقوا (کاغذ سفت و ضخیم)	ناگزیر (ناچار)	هرات (شهری در افغانستان)	هیئت (شکل)
مناسک (اعمال و آداب)	نشترا (آلت‌نوک‌تیزی که با آن رگ می‌زدند)	هراس (ترس)	یغور (سبّار)
منزله (جایگاه)	نغمه (آواز خوش)	هزاهز (آشوب)	
مهد (گهواره)	نهج (راه)	هلا (واژه‌ای برای هشدار)	

## املا با توجه به معنی

**ساختار:** معنی در سؤال، املا در گزینه

**ویژگی:** توجه به واژه‌های «هم‌آوا» و «یادآور»

**فراوانی:** معمولاً ۴ واژه

**شگرد پاسخ‌گویی:** ردگزینه

توی این تیپ معنی پَن تا واژه، توی صورت سؤال میار و تو باید مشخص کنی املای دُرُستشون توی کدوم گزینه اومده اول با واژه‌های «تک‌املا» شروع می‌کنیم؛ آگه نمی‌دونی به چه واژه‌هایی می‌گن «تک‌املا»، معلوم می‌شه راهنمای این قسمت رو نفوندری بفون و ینگری برگرد. نمی‌ریم تا بیای. بپُنبا ... هالا شدرا گفتم که اول از همه، «تک‌املا» می‌دن، اونم فقط ۲ تا. از همه‌ی تیپای املا هم آسون‌تره. هیپی نراره. مثل این می‌مونه که بین همه‌ی مُرلای مو، دَنبال به آدم کهل بگردی؛ آگه می‌فوازی دیکه توی املا مشکل نداشته باشی و هیچ تستی نتونه بهت دهن‌کپی کنه، سؤالی این بفش، بهترین فرصت واسه‌ی یادگرفتنه. با همون تریبی که تست رو برات پیریم، برو جلو و فتماً بعد از هر تست پاسخ تشریحی رو بفون!

## تک‌املا ۳۵۸۹- املای درست کلمات به معانی «سبّار - از حروف الفبای فارسی - بار سنگین - مهلکه» به ترتیب کدام است؟

- (۱) یغور - حمزه - وِذر - ورطه
- (۲) یقور - حمزه - وِزر - ورته
- (۳) یقور - همزه - وِزر - ورته
- (۴) یغور - همزه - وِزر - ورطه

## ۳۵۹۰- املای درست کلمات به معانی «ناچار - فصل - برآمدگی - کلک زدن» به ترتیب کدام است؟

- (۱) ناگذیر - موسم - قوز - قُلاکردن
- (۲) ناگزیر - موسم - قوز - قُلاکردن
- (۳) ناگذیر - موسم - غوز - غُلاکردن
- (۴) ناگزیر - موسم - غوز - غُلاکردن

## ۳۵۹۱- املای درست کلمات به معانی «فریاد - تاوان - دشوار - شک» به ترتیب کدام است؟

- (۱) قریو - غرامت - سَعَب - شائبه
- (۲) قریو - قرامت - صَعَب - شاعبه
- (۳) غریو - قرامت - سَعَب - شاعبه
- (۴) غریو - غرامت - صَعَب - شائبه

## ۳۵۹۲- املای درست کلمات به معانی «بخش انتهایی تیر - بزرگ - قطره - مکار» به ترتیب کدام است؟

- (۱) سوفار - سترگ - رَشحه - دَغَل
- (۲) سوفار - سترگ - رَشحه - دَغَل
- (۳) صوفار - سطرگ - رَشحه - دَقَل
- (۴) صوفار - سطرگ - رَشحه - دَقَل

## ۳۵۹۳- املای درست کلمات به معانی «خوالیگر - گام‌ها - خاییدن - حُطام» به ترتیب کدام است؟

- (۱) خالیگر - حُطوات - خاییدن - حُتام
- (۲) خالیگر - حُتوات - خواییدن - حُتام
- (۳) خوالیگر - حُطوات - خاییدن - حُطام
- (۴) خوالیگر - حُتوات - خواییدن - حُطام

## ۳۵۹۴- املای درست کلمات به معانی «کیسه - تبریک - نیرنگ‌سازی - رهاورد» به ترتیب کدام است؟

- (۱) چنطه - تهنیت - تلبیس - تهفه
- (۲) چنطه - تحنیت - تلبیس - تهفه
- (۳) چنطه - تحنیت - تلبیس - تحفه
- (۴) چنطه - تهنیت - تلبیس - تحفه

۳۵۹۵- املای درست کلمات به معانی «پرچم - آشفستگی - ورم - شیر مادّه نوزائیده» به ترتیب کدام است؟

- (۱) بیرق - بهران - آماص - آغوز  
(۲) بیرق - بحران - آماس - آغوز  
(۳) بیرغ - بحران - آماص - آقوز  
(۴) بیرغ - بهران - آماس - آقوز

۳۵۹۶- املای درست کلمات به معانی «جنبیدن - دریافت - چیزهای گران بها - پاک» به ترتیب کدام است؟

- (۱) اهتزاز - استنبات - نفایص - مُنَرّه  
(۲) احتراز - استنباط - نفایص - مُنَرّج  
(۳) احتراز - استنبات - نفایس - مُنَرّج  
(۴) اهتزاز - استنباط - نفایس - مُنَرّه

۳۵۹۷- املای درست کلمات به معانی «اندرز دادن - با ارزش - خصلت‌های نیکو - پشتیبانی» به ترتیب کدام است؟

- (۱) مناصحت - مغتنم - معالی - مظاهرت  
(۲) مناسحت - مغتنم - معالی - مضاهرت  
(۳) مناسحت - مقتنم - مثالی - مضاهرت  
(۴) مناصحت - مقتنم - مثالی - مظاهرت

۳۵۹۸- املای درست کلمات به معانی «فرمان بری - مجذوب - ساده انگاری - کمین‌گاه» به ترتیب کدام است؟

- (۱) مطاوعت - مصحور - مسامحه - مرصاد  
(۲) مطاوعت - مسحور - مسامحه - مرصاد  
(۳) متاوعت - مصحور - مسامحه - مرصاد  
(۴) متاوعت - مسحور - مسامحه - مرصاد

۳۵۹۹- املای درست کلمات به معانی «سوک سروده - فرومایگی - گردن‌بند - پنهان» به ترتیب کدام است؟

- (۱) مرثیه - مدّلت - مِخَنَقَه - مَحْجُوب  
(۲) مرصیه - مَزَلّت - مِخَنَقَه - مَحْجُوب  
(۳) مرصیه - مَزَلّت - مِخَنَقَه - مَهْجُوب  
(۴) مرثیه - مَزَلّت - مِخَنَقَه - مَهْجُوب

۳۶۰۰- املای درست کلمات به معانی «درخشان - انتخاب کردن - آفت - سستی» به ترتیب کدام است؟

- (۱) متعلی - گزیدن - گزند - کاحلی  
(۲) متعلی - گزیدن - گزند - کاهلی  
(۳) متألّی - گزیدن - گزند - کاحلی  
(۴) متألّی - گزیدن - گزند - کاهلی

۳۶۰۱- املای درست کلمات به معانی «استعداد - زبان آور - برگزیده - انبوه» به ترتیب کدام است؟

- (۱) قریحه - فصیح - فایغ - غلیظ  
(۲) قریبه - فصیح - فایق - غلیض  
(۳) قریحه - فصیح - فایق - غلیظ  
(۴) قریبه - فصیح - فایق - غلیظ

۳۶۰۲- املای درست کلمات به معانی «نافرمانی - پاکی - سرزنشگر - زمین زراعتی» به ترتیب کدام است؟

- (۱) عسیان - طهارت - طائن - طَیَعَت  
(۲) عسیان - طهارت - طائن - طَیَعَت  
(۳) عصیان - تهارت - طاعن - ضَیَعَت  
(۴) عصیان - طهارت - طاعن - ضَیَعَت

۳۶۰۳- املای درست کلمات به معانی «روشنی - زیبایی - آرزومند - سروری» به ترتیب کدام است؟

- (۱) صراحت - صَباحت - شایق - سیادت  
(۲) صراحت - صَباحت - شایق - سیادت  
(۳) صراحت - سَباحت - شایغ - سیادت  
(۴) صراحت - سَباحت - شایق - سیادت

۳۶۰۴- املای درست کلمات به معانی «نابود شدن - میل - روزی - مهربانی» به ترتیب کدام است؟

- (۱) زایل - رقبت - رزق - رَعَفَت  
(۲) زایل - رغبت - رزق - رَأَفَت  
(۳) ذایل - رغبت - رذق - رَأَفَت  
(۴) ذایل - رقبت - رذق - رَعَفَت

۳۶۰۵- املای درست کلمات به معانی «فرود آمدن در جایی - شیرینی - آواها - برافروختگی» به ترتیب کدام است؟

- (۱) هلول - حلاوت - الهان - التحاب  
(۲) هلول - هلاوت - الحان - التحاب  
(۳) حلول - حلاوت - الحان - التهاب  
(۴) حلول - هلاوت - الهان - التهاب

۳۶۰۶- املای درست کلمات به معانی «آموختن - توجّه - برتری - شوخ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) تَلَمَّض - التفات - ترجیه - بَضَلَه‌گو  
(۲) تَلَمَّض - التفات - ترجیح - بَضَلَه‌گو  
(۳) تَلَمَّذ - التفات - ترجیه - بَذَلَه‌گو  
(۴) تَلَمَّذ - التفات - ترجیح - بَذَلَه‌گو

۳۶۰۷- املای درست کلمات به معانی «بخشنده - سستی - گرامیداشت - پوزش» به ترتیب کدام است؟

- (۱) باذل - احمال - ائزاز - اعتذار  
(۲) باذل - احمال - اعزاز - اعتذار  
(۳) باضل - احمال - ائزاز - اعتزار  
(۴) باضل - احمال - اعزاز - اعتزار

از این‌جا تمرین با هم آواها 

۳۶۰۸- املای درست کلمات به معانی «اجازه - ناحیه - مانع - درست» به ترتیب کدام است؟

- (۱) اذن - حوزه - سد - صواب  
(۲) اذن - حوضه - سد - ثواب  
(۳) ازن - حوزه - صد - صواب  
(۴) ازن - حوضه - صد - ثواب



(با اندکی تغییر<sup>۱</sup>)

۴۰۶۳- در کدام گزینه، معنی مقابل همهٔ واژه‌ها، درست است؟

- (۱) (ویله: ناله) (هژیر: شیر) (همت: کوشش)  
 (۲) (تقریر: بیان) (اشباه: سایه‌ها) (مبتنی: ساخته)  
 (۳) (شوخی: آلودگی) (کام: زبان) (استرحام: رحم کردن به کسی)  
 (۴) (عرش: سایبان) (تقریظ: فهرست کتاب) (وقب: بالای کمر)

۴۰۶۴- تمام معانی مقابل کدام واژه‌ها، درست است؟

- (الف) مقرون: پیوسته، قرینه  
 (ب) مؤکد: تأکید شده، استوار  
 (ج) متفق: موافق، همگرا  
 (د) تمکن: توانگر، ثروت  
 (ه) محجوب: پنهان، مستور

- (۱) الف، ه (۲) ب، د (۳) ب، ه (۴) ج، ب

۴۰۶۵- «صاحب جمال، پسندیده، برتر، رواق» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟

- (۱) وسیم، قداست، فراسو، طبّق  
 (۲) قسیم، صواب، ماورا، طاق  
 (۳) جسیم، صواب، فایق، محراب  
 (۴) نسیم، صفوت، ماسوا، بخش قوسی هر چیز

۴۰۶۶- در میان گروه واژه‌های داده‌شده، چند غلط املائی یافت می‌شود؟

«رجزخوانی و مفاخره، مرتعش و لرزنده، هشتم و خدمتکار، آذرم و حیا، کاذبه و جاکاغذی، غرس و نشاندن، نمط و طریقه، غرفه و بالاخانه، طیلسان و ردا، زما و مرهم، چریق آفتاب، زی حیات و جاندار»

- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۴۰۶۷- در کدام گزینه، هر دو بیت، غلط املائی دارد؟

- (الف) سحر چشمان تو باطل نکند چشم آویز  
 (ب) کسبی کاو طریق تواضع رود  
 (ج) چو نیکی کند با تو بر خویشتن  
 (د) بزد نعره‌ای پهلوان دلیـر  
 (۱) الف - ب (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ج - د

۴۰۶۸- در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) ساغری چند شراب خورده بود و سورت مستی استیلا یافت.  
 (۲) اقوال پسندیده، مدروس گشته و حرص غالب و قناعت مغلوب.  
 (۳) اگر خردمندی به قلعه پناه گیرد و ثقت افزاید، البته به عیبی منسوب نگردد.  
 (۴) در چنین ورطه‌ای اگر نه تصرفات ولایت شیخ دستگیر او شود، خوف ذوال ایمان باشد.  
 ۴۰۶۹- هر یک از آثار «سانتاماریا، در حیاط کوچک پاییز در زندان، تیرانا، دری به خانهٔ خورشید»، به ترتیب، از چه کسی است؟

- (۱) محمد بهمن بیگی، سیدحسن حسینی، مهرداد اوستا، م. سرشک  
 (۲) سیدمهدی شجاعی، اخوان ثالث، محمدرضا رحمانی، سلمان هراتی  
 (۳) باستانی پاریزی، سهراب سپهری، شفیعی کدکنی، سلمان هراتی  
 (۴) احمد عربلو، م. امید، سیاوش کسرایی، قیصر امین پور

۴۰۷۰- در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

- (۱) چون مار زخم‌خورده دل افتد به پیچ و تاب  
 (۲) چون رخ من شده است رنگ زمین  
 (۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد  
 (۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع  
 هر گه که یاد طرّهٔ پیچان کند تو را  
 چون دم من شده است طبع زمان  
 که یک نی دید از شکرستانی؟  
 شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

۴۰۷۱- آرایه‌های بیت «جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت / که آب شیرین چو بخندی برود از شکر»، کدام است؟

- (۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح  
 (۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل  
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض  
 (۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

۴۰۷۲- بیت «شود از مهر خموشی دل خامش گویا / جوش می در جگر خم ز سر بسته بود» «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- (۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض (۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله

۴۰۷۳- ترتیب آرایه‌های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟

- (الف) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن  
(ب) ز میوه گرچه در این بوستان سبکباریم  
(ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای  
(د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی  
(۱) الف، ب، د، ج (۲) الف، د، ب، ج (۳) ج، د، ب، الف (۴) د، ب، الف، ج

۴۰۷۴- در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

- (۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ  
(۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی  
(۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار  
(۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی

۴۰۷۵- معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- (۱) از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند  
(۲) خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان  
(۳) از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی‌ادب  
(۴) می‌توان دامان بوی گل گرفت از دست باد

۴۰۷۶- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «راز همه کرد افشا، ننموده رخ زیبا»  
(۱) قید، نهاد، مضاف‌الیه، مسند  
(۲) هم پرده درش بنگر هم پرده نشینش بین»  
(۳) مضاف‌الیه، مسند، مفعول، نهاد  
(۴) بدل، مفعول، مضاف‌الیه، مسند

۴۰۷۷- در همه ابیات، مضاف‌الیه مضاف‌الیه، وجود دارد، به جز:

- (۱) خواهی که سرفراز شوی همچو زلف یار  
(۲) هر کس که دید قامت آن سرو سیم تن  
(۳) شد مدتی که دیده اختر شمار من  
(۴) مرید جذبه بی‌اختیار منصوم

۴۰۷۸- مفهوم «ان» در کدام واژه‌ها به ترتیب: «نشانه جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟

- (۱) روندگان، سخن‌سرایان، گیلان، خزان  
(۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده‌دمان  
(۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادان  
(۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

۴۰۷۹- مفهوم کلی کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) نه هر آن غنچه که بشکفت گل سرخ شود  
(ب) هنگام زراعت آنچه کشتستی (کشته‌ای)  
(ج) هر که آزار روا داشت شد آزرد  
(د) عمل گر دهی مرد منعم شناس  
(۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ج، د

۴۰۸۰- متن زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

- (۱) چو خشنود داری جهان را به داد  
(۲) همه داد کن تو به گیتی درون  
(۳) به داد و دهش کوش و نیکی سگال  
(۴) اگر دادگر چند بی‌کس بود  
(۱) توانگر بمانی و از داد شاد  
(۲) که از داد هرگز نشد کس نگون  
(۳) ولی را بپرور عـدو را بمال  
(۴) ورا راستی پاسـبان بس بود

۲	.۶۵۱	۲	.۵۸۶	۴	.۵۲۱	۱	.۴۵۶	۲	.۳۹۱	۱	.۳۲۶	۱	.۲۶۱	۲	.۱۹۶	۴	.۱۳۱	۳	.۰۶۶	۳	.۰۱
۱	.۶۵۲	۳	.۵۸۷	۳	.۵۲۲	۱	.۴۵۷	۴	.۳۹۲	۱	.۳۲۷	۳	.۲۶۲	۴	.۱۹۷	۳	.۱۳۲	۲	.۰۶۷	۳	.۰۲
۳	.۶۵۳	۲	.۵۸۸	۲	.۵۲۳	۴	.۴۵۸	۴	.۳۹۳	۴	.۳۲۸	۳	.۲۶۳	۱	.۱۹۸	۳	.۱۳۳	۳	.۰۶۸	۲	.۰۳
۴	.۶۵۴	۲	.۵۸۹	۱	.۵۲۴	۱	.۴۵۹	۲	.۳۹۴	۲	.۳۲۹	۳	.۲۶۴	۲	.۱۹۹	۳	.۱۳۴	۳	.۰۶۹	۲	.۰۴
۱	.۶۵۵	۱	.۵۹۰	۴	.۵۲۵	۴	.۴۶۰	۲	.۳۹۵	۴	.۳۳۰	۴	.۲۶۵	۴	.۲۰۰	۳	.۱۳۵	۲	.۰۷۰	۲	.۰۵
۳	.۶۵۶	۳	.۵۹۱	۲	.۵۲۶	۲	.۴۶۱	۳	.۳۹۶	۲	.۳۳۱	۳	.۲۶۶	۲	.۲۰۱	۴	.۱۳۶	۲	.۰۷۱	۲	.۰۶
۲	.۶۵۷	۳	.۵۹۲	۱	.۵۲۷	۳	.۴۶۲	۲	.۳۹۷	۱	.۳۳۲	۲	.۲۶۷	۴	.۲۰۲	۳	.۱۳۷	۴	.۰۷۲	۲	.۰۷
۱	.۶۵۸	۲	.۵۹۳	۳	.۵۲۸	۲	.۴۶۳	۳	.۳۹۸	۴	.۳۳۳	۴	.۲۶۸	۴	.۲۰۳	۱	.۱۳۸	۲	.۰۷۳	۱	.۰۸
۳	.۶۵۹	۳	.۵۹۴	۳	.۵۲۹	۴	.۴۶۴	۲	.۳۹۹	۱	.۳۳۴	۳	.۲۶۹	۴	.۲۰۴	۴	.۱۳۹	۲	.۰۷۴	۳	.۰۹
۳	.۶۶۰	۲	.۵۹۵	۱	.۵۳۰	۴	.۴۶۵	۳	.۴۰۰	۴	.۳۳۵	۳	.۲۷۰	۴	.۲۰۵	۲	.۱۴۰	۴	.۰۷۵	۳	.۱۰
۱	.۶۶۱	۴	.۵۹۶	۳	.۵۳۱	۱	.۴۶۶	۱	.۴۰۱	۴	.۳۳۶	۳	.۲۷۱	۴	.۲۰۶	۴	.۱۴۱	۴	.۰۷۶	۳	.۱۱
۲	.۶۶۲	۲	.۵۹۷	۳	.۵۳۲	۲	.۴۶۷	۲	.۴۰۲	۱	.۳۳۷	۳	.۲۷۲	۲	.۲۰۷	۳	.۱۴۲	۳	.۰۷۷	۴	.۱۲
۲	.۶۶۳	۳	.۵۹۸	۱	.۵۳۳	۴	.۴۶۸	۳	.۴۰۳	۳	.۳۳۸	۴	.۲۷۳	۲	.۲۰۸	۳	.۱۴۳	۱	.۰۷۸	۴	.۱۳
۴	.۶۶۴	۳	.۵۹۹	۲	.۵۳۴	۲	.۴۶۹	۳	.۴۰۴	۱	.۳۳۹	۲	.۲۷۴	۲	.۲۰۹	۱	.۱۴۴	۲	.۰۷۹	۱	.۱۴
۴	.۶۶۵	۳	.۶۰۰	۴	.۵۳۵	۲	.۴۷۰	۴	.۴۰۵	۲	.۳۴۰	۱	.۲۷۵	۳	.۲۱۰	۲	.۱۴۵	۴	.۰۸۰	۲	.۱۵
۳	.۶۶۶	۴	.۶۰۱	۳	.۵۳۶	۲	.۴۷۱	۴	.۴۰۶	۱	.۳۴۱	۳	.۲۷۶	۴	.۲۱۱	۳	.۱۴۶	۳	.۰۸۱	۱	.۱۶
۱	.۶۶۷	۱	.۶۰۲	۴	.۵۳۷	۲	.۴۷۲	۳	.۴۰۷	۴	.۳۴۲	۳	.۲۷۷	۴	.۲۱۲	۲	.۱۴۷	۳	.۰۸۲	۱	.۱۷
۴	.۶۶۸	۴	.۶۰۳	۱	.۵۳۸	۴	.۴۷۳	۳	.۴۰۸	۲	.۳۴۳	۳	.۲۷۸	۲	.۲۱۳	۲	.۱۴۸	۳	.۰۸۳	۳	.۱۸
۴	.۶۶۹	۲	.۶۰۴	۴	.۵۳۹	۳	.۴۷۴	۴	.۴۰۹	۴	.۳۴۴	۲	.۲۷۹	۳	.۲۱۴	۱	.۱۴۹	۴	.۰۸۴	۳	.۱۹
۳	.۶۷۰	۴	.۶۰۵	۳	.۵۴۰	۱	.۴۷۵	۴	.۴۱۰	۴	.۳۴۵	۳	.۲۸۰	۴	.۲۱۵	۲	.۱۵۰	۳	.۰۸۵	۲	.۲۰
۲	.۶۷۱	۲	.۶۰۶	۳	.۵۴۱	۱	.۴۷۶	۲	.۴۱۱	۴	.۳۴۶	۲	.۲۸۱	۱	.۲۱۶	۱	.۱۵۱	۲	.۰۸۶	۴	.۲۱
۲	.۶۷۲	۳	.۶۰۷	۲	.۵۴۲	۴	.۴۷۷	۳	.۴۱۲	۱	.۳۴۷	۳	.۲۸۲	۴	.۲۱۷	۱	.۱۵۲	۴	.۰۸۷	۳	.۲۲
۱	.۶۷۳	۱	.۶۰۸	۱	.۵۴۳	۲	.۴۷۸	۳	.۴۱۳	۴	.۳۴۸	۳	.۲۸۳	۲	.۲۱۸	۲	.۱۵۳	۱	.۰۸۸	۱	.۲۳
۲	.۶۷۴	۲	.۶۰۹	۳	.۵۴۴	۴	.۴۷۹	۱	.۴۱۴	۴	.۳۴۹	۴	.۲۸۴	۲	.۲۱۹	۳	.۱۵۴	۴	.۰۸۹	۲	.۲۴
۱	.۶۷۵	۳	.۶۱۰	۲	.۵۴۵	۴	.۴۸۰	۴	.۴۱۵	۲	.۳۵۰	۳	.۲۸۵	۴	.۲۲۰	۲	.۱۵۵	۲	.۰۹۰	۱	.۲۵
۳	.۶۷۶	۴	.۶۱۱	۲	.۵۴۶	۳	.۴۸۱	۲	.۴۱۶	۴	.۳۵۱	۴	.۲۸۶	۲	.۲۲۱	۱	.۱۵۶	۳	.۰۹۱	۴	.۲۶
۱	.۶۷۷	۴	.۶۱۲	۲	.۵۴۷	۴	.۴۸۲	۳	.۴۱۷	۳	.۳۵۲	۴	.۲۸۷	۴	.۲۲۲	۳	.۱۵۷	۳	.۰۹۲	۱	.۲۷
۴	.۶۷۸	۴	.۶۱۳	۱	.۵۴۸	۴	.۴۸۳	۳	.۴۱۸	۳	.۳۵۳	۳	.۲۸۸	۳	.۲۲۳	۳	.۱۵۸	۲	.۰۹۳	۲	.۲۸
۲	.۶۷۹	۴	.۶۱۴	۲	.۵۴۹	۲	.۴۸۴	۳	.۴۱۹	۱	.۳۵۴	۱	.۲۸۹	۴	.۲۲۴	۱	.۱۵۹	۳	.۰۹۴	۳	.۲۹
۳	.۶۸۰	۳	.۶۱۵	۱	.۵۵۰	۴	.۴۸۵	۳	.۴۲۰	۳	.۳۵۵	۲	.۲۹۰	۳	.۲۲۵	۳	.۱۶۰	۲	.۰۹۵	۱	.۳۰
۱	.۶۸۱	۳	.۶۱۶	۳	.۵۵۱	۴	.۴۸۶	۴	.۴۲۱	۴	.۳۵۶	۴	.۲۹۱	۲	.۲۲۶	۲	.۱۶۱	۴	.۰۹۶	۳	.۳۱
۲	.۶۸۲	۱	.۶۱۷	۳	.۵۵۲	۲	.۴۸۷	۲	.۴۲۲	۳	.۳۵۷	۳	.۲۹۲	۲	.۲۲۷	۴	.۱۶۲	۴	.۰۹۷	۳	.۳۲
۴	.۶۸۳	۳	.۶۱۸	۴	.۵۵۳	۳	.۴۸۸	۱	.۴۲۳	۳	.۳۵۸	۲	.۲۹۳	۴	.۲۲۸	۲	.۱۶۳	۱	.۰۹۸	۳	.۳۳
۴	.۶۸۴	۱	.۶۱۹	۱	.۵۵۴	۴	.۴۸۹	۱	.۴۲۴	۳	.۳۵۹	۱	.۲۹۴	۱	.۲۲۹	۳	.۱۶۴	۴	.۰۹۹	۱	.۳۴
۲	.۶۸۵	۳	.۶۲۰	۳	.۵۵۵	۲	.۴۹۰	۲	.۴۲۵	۴	.۳۶۰	۲	.۲۹۵	۲	.۲۳۰	۲	.۱۶۵	۲	.۱۰۰	۴	.۳۵
۳	.۶۸۶	۳	.۶۲۱	۳	.۵۵۶	۳	.۴۹۱	۳	.۴۲۶	۴	.۳۶۱	۱	.۲۹۶	۳	.۲۳۱	۴	.۱۶۶	۱	.۱۰۱	۲	.۳۶
۴	.۶۸۷	۴	.۶۲۲	۱	.۵۵۷	۳	.۴۹۲	۱	.۴۲۷	۳	.۳۶۲	۳	.۲۹۷	۳	.۲۳۲	۳	.۱۶۷	۳	.۱۰۲	۱	.۳۷
۲	.۶۸۸	۳	.۶۲۳	۳	.۵۵۸	۳	.۴۹۳	۱	.۴۲۸	۲	.۳۶۳	۱	.۲۹۸	۳	.۲۳۳	۴	.۱۶۸	۱	.۱۰۳	۱	.۳۸
۱	.۶۸۹	۱	.۶۲۴	۳	.۵۵۹	۴	.۴۹۴	۱	.۴۲۹	۲	.۳۶۴	۲	.۲۹۹	۱	.۲۳۴	۳	.۱۶۹	۲	.۱۰۴	۴	.۳۹
۴	.۶۹۰	۲	.۶۲۵	۱	.۵۶۰	۳	.۴۹۵	۳	.۴۳۰	۲	.۳۶۵	۴	.۳۰۰	۳	.۲۳۵	۳	.۱۷۰	۳	.۱۰۵	۱	.۴۰
۲	.۶۹۱	۳	.۶۲۶	۳	.۵۶۱	۴	.۴۹۶	۲	.۴۳۱	۳	.۳۶۶	۳	.۳۰۱	۳	.۲۳۶	۱	.۱۷۱	۴	.۱۰۶	۲	.۴۱
۳	.۶۹۲	۴	.۶۲۷	۲	.۵۶۲	۱	.۴۹۷	۱	.۴۳۲	۴	.۳۶۷	۴	.۳۰۲	۳	.۲۳۷	۴	.۱۷۲	۳	.۱۰۷	۳	.۴۲
۴	.۶۹۳	۴	.۶۲۸	۴	.۵۶۳	۲	.۴۹۸	۱	.۴۳۳	۳	.۳۶۸	۴	.۳۰۳	۴	.۲۳۸	۳	.۱۷۳	۳	.۱۰۸	۳	.۴۳
۴	.۶۹۴	۱	.۶۲۹	۱	.۵۶۴	۲	.۴۹۹	۲	.۴۳۴	۳	.۳۶۹	۳	.۳۰۴	۱	.۲۳۹	۲	.۱۷۴	۴	.۱۰۹	۳	.۴۴
۲	.۶۹۵	۲	.۶۳۰	۴	.۵۶۵	۴	.۵۰۰	۱	.۴۳۵	۴	.۳۷۰	۲	.۳۰۵	۳	.۲۴۰	۳	.۱۷۵	۴	.۱۱۰	۱	.۴۵
۳	.۶۹۶	۲	.۶۳۱	۲	.۵۶۶	۴	.۵۰۱	۲	.۴۳۶	۱	.۳۷۱	۱	.۳۰۶	۴	.۲۴۱	۳	.۱۷۶	۳	.۱۱۱	۱	.۴۶
۳	.۶۹۷	۴	.۶۳۲	۴	.۵۶۷	۴	.۵۰۲	۲	.۴۳۷	۴	.۳۷۲	۲	.۳۰۷	۳	.۲۴۲	۳	.۱۷۷	۴	.۱۱۲	۱	.۴۷
۱	.۶۹۸	۳	.۶۳۳	۲	.۵۶۸	۱	.۵۰۳	۴	.۴۳۸	۲	.۳۷۳	۱	.۳۰۸	۴	.۲۴۳	۱	.۱۷۸	۲	.۱۱۳	۳	.۴۸
۲	.۶۹۹	۴	.۶۳۴	۴	.۵۶۹	۳	.۵۰۴	۱	.۴۳۹	۱	.۳۷۴	۳	.۳۰۹	۳	.۲۴۴	۱	.۱۷۹	۲	.۱۱۴	۲	.۴۹
۳	.۷۰۰	۱	.۶۳۵	۱	.۵۷۰	۴	.۵۰۵	۳	.۴۴۰	۱	.۳۷۵	۱	.۳۱۰	۲	.۲۴۵	۴	.۱۸۰	۲	.۱۱۵	۲	.۵۰
۱	.۷۰۱	۳	.۶۳۶	۱	.۵۷۱	۲	.۵۰۶	۲	.۴۴۱	۳	.۳۷۶	۳	.۳۱۱	۴	.۲۴۶	۱	.۱۸۱	۲	.۱۱۶	۱	.۵۱
۴	.۷۰۲	۱	.۶۳۷	۱	.۵۷۲	۱	.۵۰۷	۴	.۴۴۲	۱	.۳۷۷	۱	.۳۱۲	۲	.۲۴۷	۳	.۱۸۲	۲	.۱۱۷	۲	.۵۲
۴	.۷۰۳	۳	.۶۳۸	۴	.۵۷۳	۳	.۵۰۸	۳	.۴۴۳	۲	.۳۷۸	۴	.۳۱۳	۲	.۲۴۸	۴	.۱۸۳	۲	.۱۱۸	۳	.۵۳
۴	.۷۰۴	۲	.۶۳۹	۱	.۵۷۴	۳	.۵۰۹	۲	.۴۴۴	۲	.۳۷۹	۳	.۳۱۴	۴	.۲۴۹	۳	.۱۸۴	۴	.۱۱۹	۴	.۵۴
۲	.۷۰۵	۲	.۶۴۰	۴	.۵۷۵	۲	.۵۱۰	۱	.۴۴۵	۳	.۳۸۰	۴	.۳۱۵	۳	.۲۵۰	۴	.۱۸۵	۴	.۱۲۰	۲	.۵۵
۱	.۷۰۶	۴	.۶۴۱	۲	.۵۷۶	۴	.۵۱۱	۳	.۴۴۶	۱	.۳۸۱	۳	.۳۱۶	۱	.۲۵۱	۳	.۱۸۶	۳	.۱۲۱	۴	.۵۶
۲	.۷۰۷	۲	.۶۴۲	۳	.۵۷۷	۲	.۵۱۲	۲	.۴۴۷	۲	.۳۸۲	۱	.۳۱۷	۴	.۲۵۲	۳	.۱۸۷	۳	.۱۲۲	۱	.۵۷
۲	.۷۰۸	۳	.۶۴۳	۱	.۵۷۸	۴	.۵۱۳	۳	.۴۴۸	۳	.۳۸۳	۱	.۳۱۸	۳	.۲۵۳	۴	.۱۸۸	۴	.۱۲۳	۲	.۵۸
۲	.۷۰۹	۴	.۶۴۴	۲	.۵۷۹	۲	.۵۱۴	۱	.۴۴۹	۱	.۳۸۴	۲	.۳۱۹	۲	.۲۵۴	۲	.۱۸۹	۲	.۱۲۴	۲	.۵۹
۳	.۷۱۰	۱	.۶۴۵	۳	.۵۸۰	۳	.۵۱۵	۱	.۴۵۰	۴	.۳۸۵	۳	.۳۲۰	۱	.۲۵۵	۱	.۱۹۰	۴	.۱۲۵	۳	.۶۰
۱	.۷۱۱	۱	.۶۴۶	۴	.۵۸۱	۲	.۵۱۶	۳	.۴۵۱	۴	.۳۸۶	۳	.۳۲۱	۲	.۲۵۶	۴	.۱۹۱	۳	.۱۲۶	۳	.۶۱
۴	.۷۱۲																				